

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِوِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِ أَجْمَعِينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْ صَلَاتِكَ شَيْئٌ

وَأَرْحَمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْ رَحْمَتِكَ شَيْئٌ

وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنَ الْبَرَكَاتِ شَيْئٌ

وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنَ السَّلَامِ شَيْئٌ

يا امیرالمؤمنین ای آن که حق خواهان توست

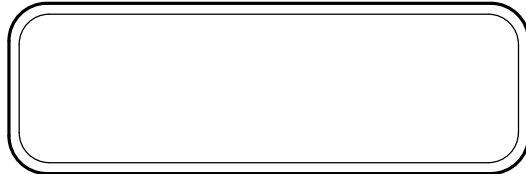
عالم کژون و مکان در حیطة فرمان توست

آنچه ما در این کتاب آورده ایم از وصف تو

کمتر از یک قطره ای از بحر بی پایان توست

سفيد

عشق مولا که جان جهان است  
در تن هر شریعت، روان است  
آسمان کمالات حیدر علی  
«پرستاره‌ترین آسمان» است



مهندس علی اصغر یونسیان

یونسیان، علی اصغر ۱۳۳۰ -

پرستاره‌ترین آسمان / علی اصغر یونسیان. -- تهران: آئینه زمان، ۱۴۲۳ ق.

۱۳۸۱=

ISBN 964-93996-4-x

ص. ۱۲۸

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

فارسی - عربی.

کتابنامه.

۱. علی‌بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. الف. عنوان.

۲۹۷/۹۵۱

BP۳۷/۳

کتابخانه ملی ایران

۳۸۶۷۶ - ۸۱ م



نشر آئینه زمان

پرستاره‌ترین آسمان

مهندس علی اصغر یونسیان

نوبت چاپ: دوم، ۱۳۸۷ ش - ۱۴۲۹ ق

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: تیزهوش چاپ و صحافی: فرزانه

مرکز پخش: انتشارات آئینه زمان

تهران - ۱۷ شهریور، بین چهارراه شمس و آتش نشانی،

کوچه شهید علی دولو پلاک ۱ + ۱۲ طبقه اول

کدپستی: ۱۱۷۴۹۸۴۱۱۱ تلفن: ۳۳۱۳۲۳۱۳

دورنگار: ۳۳۵۰۷۰۲۴ همراه: ۰۹۱۲ ۱۳۵ ۵۳ ۲۹

حق شرعی و قانونی هر نوع چاپ و تکثیر فقط برای ناشر محفوظ است.

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

## فهرست مطالب

۶	الاهداء.....
۱۱	پیشگفتار.....
	<b>فصل اوّل</b>
۱۷	علی <small>علیه السلام</small> و چهارده آیه و تفسیر.....
	<b>فصل دوّم</b>
۳۳	علی <small>علیه السلام</small> و چهارده فراز از خطبه‌ی غدیر.....
	<b>فصل سوّم</b>
۵۱	علی <small>علیه السلام</small> و چهارده ویژگی.....
	<b>فصل چهارم</b>
۷۱	علی <small>علیه السلام</small> و چهارده حدیث منزلت.....
	<b>فصل پنجم</b>
۷۷	علی <small>علیه السلام</small> و چهارده داستان جوانمردی.....
	<b>فصل ششم</b>
۹۷	علی <small>علیه السلام</small> و چهارده فرمایش معصومین <small>علیهم السلام</small> .....
	<b>فصل هفتم</b>
۱۰۹	علی <small>علیه السلام</small> و چهارده سخن مخالف و بیگانه.....
	<b>فصل هشتم</b>
۱۲۱	علی <small>علیه السلام</small> و چهارده دو بیتی.....
۱۲۶	آثار مؤلف.....

الاهداء:

ثواب این اثر را به روح مقدّس  
و منور رهبر آزاد مردان جهان سید  
و سالار شهیدان حضرت ابا عبد الله  
الحسین علیه السلام که با ایثار جان گرامی  
خود و یاران باوفا و بی نظیرش،  
غدیر گرانسنگ پدر بزرگوار خود  
مولا علی علیه السلام را برای ابد از خطر  
نابودی نجات داد تقدیم می‌کنم،  
امید است که آن عزیز خدای  
عزوجلّ، این بضاعت مُزجاة را به  
دیده منت پذیرد و این کمترین  
خادم آل عصمت علیهم السلام را در دنیا و  
آخرت مورد عنایت خود قرار  
دهد.

## بهترین هدیه

گردی از راه عبورت کُره خاک، علی علیه السلام  
نه فقط این کُره، بل عالم افلاک، علی علیه السلام  
شرف و منزلت و قدر تو جز بر احمد صلی الله علیه و آله  
احدی را نبود قابل ادراک، علی علیه السلام  
قلب سینا شده از جلوه ربّانی تو  
چون دل سوختگان غم تو چاک، علی علیه السلام  
در نمکزار تولّای تو هر شیء پلید  
گر بیفتد شود از صحبت تو پاک، علی علیه السلام  
به خدا حلقه نشینان غم عشقت را  
نَبود از مهلکه‌ها در دو جهان پاک علی علیه السلام  
آن که در راه تو برداشت قدم، گشت سعید  
ورنه شد عاقبتش سخت خطرناک، علی علیه السلام  
لحظه‌ای هم به خداوند ندارد ایمان  
آنکه نسبت به مقام تو بود شاک، علی علیه السلام  
«ملتجی» بین هدایا و تحف می‌باشد  
بهترین هدیه به شاهنشاه لولاک، علی علیه السلام



## بی نظیرترین اختر

ای آنکه قدر توست برون از گمان خلق  
آثار قدرت تو عیان در میان خلق  
تا از حضيض خاک رسد بر فراز عرش  
بین خدا و خلق تویی ریسمان خلق  
ای چشم پرتوان خدا بین کائنات  
در هر کجا همیشه تویی دیده بان خلق  
از ابتدای خلقت هستی است بهره ور  
از سفره عطای تو پیر و جوان خلق  
جاعل خدا بود که مقرر نموده است  
عشق تو را وسیله آرام جان خلق  
امر ولایت تو ز روز نخست بود  
سنگین ترین و سخت ترین امتحان خلق  
کی گوهری شبیه تو در بحر خلقت است؟  
کو اختری نظیر تو در آسمان خلق؟  
لفظی که حق و صف کمال ادا کند  
پیدا نمی شود به خدا در لسان خلق  
ای «ملنجی» ولایت مولاست روز حشر  
تنها پناه محکم و دارالامان خلق



## ولی الاولیاء

مگر ذات الهی جز علی علیه السلام حبل المتین دارد؟  
مگر غیر از علی علیه السلام ختم رسالت جانشین دارد؟  
برو سوی علی علیه السلام ای طالب اسرار یزدانی  
که او در سینه اش اسرار رب العالمین دارد  
ولی الاولیا از خرمین حُسن خدادادی  
تمام انبیا و اولیا را خوشه چین دارد  
به مکتب خانگی توحید استاد است و شاگردی  
نظیر پیک وحی ذات حق، روح الامین دارد  
علی علیه السلام دم از سلونی می زند زیرا که آگاهی  
به کلّ ماسوا، از اولین تا آخرین دارد  
ندارد جز محمد صلی الله علیه و آله در جهان از اوّل خلقت  
تمام آنچه را مولا علی علیه السلام در آستین دارد  
سلیمان با همه شوکت، بود در تحت فرمانش  
تمام آفرینش را علی علیه السلام زیر نگین دارد  
به جز مولا که حق، نفس رسول الله صلی الله علیه و آله، نامیدش  
مگر جانی دگر هم رحمة للعالمین صلی الله علیه و آله دارد؟  
علی علیه السلام صهر پیمبر، همسر صدیقه اطهر علیها السلام  
که دامادی به جز شخص محمد صلی الله علیه و آله این چنین دارد؟

## پرستاره‌ترین آسمان

مَلک هر صبح و شب لعنت فرستد دشمنانش را  
ولی بر دوستانش صدهزاران آفرین دارد  
شود شاید برای خلق تا اندازه‌ای روشن  
چه فرّ و اقتداری او به روز واپسین دارد!  
برای در امان ماندن ز قهر حق کسی فردا  
کجا غیر از تولّای علی علیه السلام حصنی حصین دارد  
بود مختصّ عشاق امیرالمؤمنین حیدر علیه السلام  
تمام ناز و نعمت‌ها که فردوس برین دارد  
مگو: ای «ملتجی» از کی اسیر عشق مولایی؟  
که عشق حضرتش قبل از میان ماء و طین دارد



## پیشگفتار

مگر می‌توان اوصاف بزرگ مردی را که خداوند متعال او را  
دومی خویش<sup>۱</sup> در امر شهادت به رسالت والاترین انبیا و رسلش  
یعنی حضرت محمد بن عبدالله ﷺ به حساب آورده به رشته کلام  
کشید؟ مگر می‌توان حق سخن را در مورد حقیقتی که رسول  
خدا ﷺ درباره او فرمود: **إِنَّهُ مَمْسُوسٌ فِي ذَاتِ اللَّهِ**<sup>۲</sup> ادا کرد؟  
آری زبان پیامبر عالی مقام هم بسته بود از اینکه بخواهد  
علی عليه السلام را آن گونه که خود می‌شناخت برای خلائق توصیف کند  
چراکه طاقت تحمل و درک فضائل لایتناهای او را احدی از مردم -  
جز خاندان رسالت عليه السلام - نداشتند و خداوند متعال هم به طور سر  
بسته و کلی او را علی عليه السلام کلمة الاهی معرفی می‌فرماید که شمارشی  
برای فضائل او نیست:

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ  
قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا<sup>۳</sup>

(ای رسول ما! به امت) بگو: اگر دریا برای نوشتن  
کلمات پروردگار من مرکب شود پیش از آن که  
کلمات الاهی به آخر رسد دریا خشک خواهد شد هر  
چند دریایی دیگر باز ضمیمه آن کنند.

و در آیه دیگر می‌فرماید:

وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمْدُةٌ  
مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ<sup>۴</sup>

## پرستاره‌ترین آسمان

و اگر درختان روی زمین بصورت قلم در آیند و  
آب دریا به اضافه‌ی هفت دریای دیگر مرکب شوند  
(و بخوانند در اوصاف کلمات الله بنویسند) باز  
نگارش کلمات خدا ناتمام می‌ماند....

کلمات خدا چیست که تمامی ندارد؟ ما که نمی‌فهمیم ولی  
آنانکه علم اولین و آخرین در سینه‌های آنهاست - یعنی محمد و  
آل محمد علیهم‌السلام می‌گویند: کلمات الله چیزی جز اوصاف علی علیه‌السلام و  
آل طاهرین او نیست.

و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در همین راستا می‌فرماید:

لَوْ أَنَّ الْغِيَاضَ أَقْلَامٌ وَ الْبَحْرَ مِدَادٌ وَ الْجَنَّ حُسَابٌ وَ  
الْإِنْسَ كُتَابٌ مَا أَحْصُوا فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه‌السلام<sup>۵</sup>  
اگر انبوه درختان قلم و دریاها مرکب و همه  
جنیان حسابگر و همه انسان‌ها نویسنده باشند،  
(بازهم) قادر به شمارش فضائل علی بن ابی طالب علیه‌السلام  
نخواهد بود.

با اذعان به عدم استطاعت خود نسبت به شناخت کامل  
مولی‌الموحدين مولا امیرالمؤمنین علیه‌السلام و با اعتراف به عجز و ضعف  
خود در بیان قطره‌ای از اقیانوس نامتناهی کمالات آن حضرت، با  
اجازه شما خواننده عزیز رشته‌ی کلام را به دست سارقی می‌سپاریم  
که بعد از جاری شدن حدّ سرقت بر او، دست بریده را با دست  
دیگر گرفته و با جذابیت خاصی به مدح و منقبت مولایش علی علیه‌السلام  
در کوچه و بازار شهر کوفه پرداخت.

داستان از این قرار است که:

اصبغ بن نباته گوید: در مسجد کوفه خدمت مولا علی علیه‌السلام بودم،

غلام سیاهی هم آنجا بود که می‌گفتند سرقت کرده است. مولا علی علیه السلام به او فرمود: **أَسَارِقُ أَنْتَ يَا غَلَامُ؟** ای غلام! آیا دزدی نمودی؟ عرض کرد: آری یا امیرالمؤمنین. حضرت برای بار دوم همان سؤال فرمود او هم همان جواب را داد و برای بار سوم هم همین سؤال و جواب رد و بدل شد، حضرت امر فرمود دست راستش را مطابق حکم شرع قطع نمودند. دست بریده را گرفت و رفت. ابن کَوّاه، که از جمله‌ی خوارج بود به دنبال او روان شد تا به او رسید و گفت: ای غلام! دست تو را که قطع کرد؟ او هم در مقابل مردم صدا را بلند نمود و گفت:

قَطَعَ يَمِينِي الْأَنْزَعُ الْبَطِينِ وَ بَابُ الْيَقِينِ وَ حَبْلُ اللَّهِ  
الْمَتِينُ وَ الشَّافِعُ يَوْمَ الدِّينِ الْمُصَلِّي إِحْدَى وَ خَمْسِينَ، قَطَعَ  
يَمِينِي إِمَامُ الثَّقَلَيْنِ وَ ابْنُ عَمِّ الْمُصْطَفَى شَقِيقُ النَّبِيِّ  
الْمُجْتَبَى لَيْثُ الشَّرِي عَيْثُ الْوَرَى حَتْفُ الْعِدَى وَ مِفْتَاحُ  
النَّدَى وَ مِضْبَاحُ الدُّجَى، قَطَعَ يَمِينِي إِمَامُ الْحَقِّ وَ سَيِّدُ  
الْخَلْقِ فَارُوقُ الدِّينِ وَ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ خَيْرُ  
الْمُهْتَدِينَ وَ أَفْضَلُ السَّابِقِينَ وَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ  
أَجْمَعِينَ...

دست مرا انزع البطين و باب اليقين و ريسان  
محکم خدا و شافع روز جزا، بر پاککننده پنجاه و یک  
رکعت نماز در روز (واجبات و نافله‌ها) قطع نمود.  
دست مرا پیشوای متقیان و پسر عم مصطفی و برادر  
نبی برگزیده، شیر خروشنده بر افراد پلید، باران  
رحمت خدا بر خلائق، نابودکننده‌ی دشمن و کلید  
خزائن و چراغ روشنگر تاریکی‌ها برید. دست مرا

## پرستاره‌ترین آسمان

امام بر حق و سالار حلق، جداکننده حقایق دین (از  
باطیل و بدعت‌ها) و سید عبادت‌کنندگان و امام  
پارسایان و بهترین هدایت‌یافتگان و با فضیلت‌ترین  
سبقت‌گیرندگان (در گرویدن به خدا و رسول) و  
حجت (بالغه) خدا بر جمیع خلایق از تن جدا  
کرد.....

چون غلام این سخنان را تمام کرد به راه افتاد و با دست  
بریده‌اش به بیان فضائل مولایش علی علیه السلام ادامه داد. ابن‌کَوَّأ، به  
حضور امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و جریان را به عرض مبارک رسانید.  
آن حضرت به دو نور دیده‌اش امام حسن و امام حسین علیهم السلام فرمان  
داد تا غلام را حاضر نمایند. وقتی غلام آمد حضرت امیر علیه السلام نگاهی  
به جانب او افکند و فرمود: ای غلام! من دست تو را بریدم تو ثنای  
مرا می‌گویی؟ عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! شما به حکم خدا و  
رسول عمل نموده و به حق دست مرا قطع فرمودید چگونه شما را  
ثنا و ستایش نکنم.

حضرت امیر علیه السلام دست بریده او را گرفت و با ردای مبارک خود  
آن را پوشاند دو رکعت نماز گزارد و سخنانی با خدای خود گفت و  
دست را در جای خود نصب کرد بدون آنکه هیچ نشانه‌ای از قطع  
دست بر جای مانده باشد و سپس روی به ابن‌کَوَّأ کرد و فرمود:

أَلَمْ أَقُلْ لَكَ يَا ابْنَ الْكَوَّاءِ إِنَّ لَنَا مُجِيبِينَ، لَوْ قَطَعْنَا  
الْوَّاحِدَ مِنْهُمْ إِزْبًا إِزْبًا مَا زِدَادُوا لَنَا إِلَّا حَبًّا وَ لَنَا مُبِغِضِينَ  
لَوْ أَلْعَنَاهُمْ الْعَسَلُ مَا أَزْدَادُوا لَنَا إِلَّا بُغْضًا وَ هَكَذَا مَنْ  
يُحِبُّنَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.<sup>۷</sup>

یا ابن‌کَوَّأ! آیا به تو نگفتمم برای ما دوستانی است

که اگر هر کدام از آنها را قطعه قطعه کنیم نسبت به ما محبتشان زیادتر می شود و (از آن طرف) ما دشمنانی داریم که اگر غسل به آنها بخورانیم بغض و دشمنی آنها به ما زیادتر می گردد؟ کسی که ما را این چنین دوست دارد به شفاعت ما روز قیامت نائل خواهد شد.

آری دوستان مخلص آن حضرت این چنین اند، امکان ندارد بتوان آنها را از مولایشان علی علیه السلام جدا کرد. رزق معنوی و لذت واقعی ایشان گفت و شنود اوصاف بی مثال اوست. چیزی که خدا به من ببخشد از دست ابوالحسن علیه السلام ببخشد هر گفت و شنود فضل حیدر جان دگری به تن ببخشد ما هم باید نسبت به تمام پیشوایان راستین خود اینگونه - بلکه بهتر از این - باشیم علی الخصوص نسبت به مولای عزیزتر از جانمان حضرت محمد بن الحسن المهدی روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء، و تلاش کنیم اولاً: در محضر آن بزرگوار خلافتی را مرتکب نشویم تا موجب رنجش خاطر ایشان نگردد، ثانیاً: در صدد آشنا شدن هر چه بیشتر با صفات و آثار آن حضرت بر آییم و ثالثاً مصداق این آیه شریفه شویم که:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾<sup>۸</sup>

و باید در میان شما گروهی باشند که (مردم را) به نیکی دعوت نموده و به کارهای پسندیده امر کنند و از کارهای ناپسند باز دارند و آنها هستند که رستگارانند.

## پرستاره‌ترین آسمان

وظیفه‌ی ماست که مردم را به سوی خیر دلالت کنیم و امر به معروف و نهی از منکر را مخصوصاً در این برهه از زمان، وانگذاریم و بدانیم خیر محض امروز وجود مقدس امام عصر علیه السلام است که به تعبیر قرآن **بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**<sup>۹</sup> و تلاش کنیم من جمیع الجهات رضایت و خشنودی آن حضرت را تحصیل نموده و همواره برای فرج موفور السروررش از جان و دل دعا کنیم.

**اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ وَ الْفَائِزِينَ بِلِقَائِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ**

تهران - علی اصغر یونسیان

غدیر ۱۴۲۳

## مدارک احادیث و اخبار پیشگفتار

- ۱- الرعد ۱۳: آیه آخر شاهد الرسالت
  - ۲- بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۱۳، ص ۵
  - ۳- الکهف ۱۸: ۱۰۹
  - ۴- لقمان ۳۰: ۳۷
  - ۵- المناقب للخوارزمی، ص ۲
  - ۶- مطابق روایتی که مرحوم علامه مجلسی در جلد ۴۱ بحار الانوار صفحه ۲۱۰ به نقل از مناقب ابن شهر آشوب آورده ابن کَوّا به غلام
- گفت: **قَطَعَ يَدَكَ وَ تَثْنِي عَلَيْهِ!** او دست تو را برید تو مدح و ثنای او می‌کنی؟  
گفت: **لَوْ قَطَعَنِي إِرْبًا إِرْبًا مَا أَرَدْتُ لَهُ إِلَّا حَبًّا.** اگر مرا قطعه قطعه کند محبتم به او زیادتر می‌شود.
- ۷- ناسخ التواریخ علی بن ابیطالب علیه السلام، ج ۴، صص ۱۷۲ و ۱۷۳
  - ۸- آل عمران ۳: ۱۰۴
  - ۹- هود ۱۱: ۸۶



# فصل اول

عاشیه

و  
چهارده آیه و تفسیر

سفيد

## آیه ۱

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾<sup>۱</sup>

کسانی که اموال خود را در شب و روز، پنهان و آشکار انفاق کنند آنان را نزد پروردگارشان پاداش نیکو خواهد بود و هیچ خوفی (از عذاب خدا) و اندوهی (از سزای اعمالشان) ندارند.

### حدیث:

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ: ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً﴾ قَالَ: نَزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ كَانَتْ لَهُ أَرْبَعَةُ دَرَاهِمٍ فَأَنْفَقَ بِاللَّيْلِ دِرْهَمًا وَبِالنَّهَارِ دِرْهَمًا وَسِرًّا دِرْهَمًا وَعَلَانِيَةً دِرْهَمًا.<sup>۲</sup>

فصل ۱

ابن عباس در سبب نزول این آیه می‌گوید:

علی بن ابیطالب علیه السلام چهار درهم داشت، یکی را در شب، دیگری را در روز، سومی را به طور مخفی و چهارمی را آشکارا صدقه داد و این آیه در شأن آن حضرت نازل شد.

۱۹



## آیه ۲

﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾<sup>۳</sup>

و تأویل (قرآن را) هیچ کس جز خدا و راسخون در علم

نمی داند.

حدیث:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ أَمِيرُ  
الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَثَمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ عليه السلام.<sup>۴</sup>

از امام صادق عليه السلام روایت شده است که فرمود:  
راسخون در علم، امیرالمؤمنین و امامان بعد از او عليه السلام  
هستند.



### آیه ۳

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾.<sup>۵</sup>

همگی به ریسمان خدا چنگک زنید و پراکنده نشوید.

فصل ۱

حدیث:

عَنِ الْكَاْظِمِ عليه السلام عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ عليه السلام حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ.<sup>۶</sup>  
امام کاظم عليه السلام می فرمایند: منظور از ریسمان  
محکم خدا در این آیه، علی بن ابیطالب عليه السلام است.



### آیه ۴

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ،  
فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ  
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾.<sup>۷</sup>

ای اهل ایمان! فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و  
رسول او) را اطاعت کنید. چون در مسأله ای کارتان به گفتگو کشد به

۲۰

حکم خدا و رسول بازگردید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید این کار (رجوع به خدا و رسول) برای شما بهتر و خوش عاقبت تر خواهد بود

حدیث:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: نَزَلَتْ (بِعْنِي آيَةَ أَطِيعُوا اللَّهَ) فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَلْتُ لَهُ: إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ لَنَا: فَمَا مَنَعَهُ أَنْ يُسَمِّيَ عَلِيًّا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ فِي كِتَابِهِ؟ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: قُولُوا لَهُمْ: إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ عَلَى رَسُولِ الصَّلَاةِ وَ لَمْ يُسَمِّ ثَلَاثًا وَ لَا أَرْبَعًا حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ (لَهُمْ) وَ أَنْزَلَ الْحَجَّ وَ لَمْ يُنَزِّلْ طَوْفُوا أُسْبُوعًا حَتَّى فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله ، وَ اللَّهُ أَنْزَلَ: أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ تَنَزَّلَتْ فِي عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عليهم السلام <sup>٨</sup>

فصل ١

ابوبصیر از حضرت باقر عليه السلام روایت می کند که فرمود: آیه ی: أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ در حق علی بن ابیطالب عليه السلام نازل شد، من گفتم: مردمی به ما می گویند: چه مانعی داشت که خداوند علی عليه السلام و اهل بیت او را در کتاب خود نام می برد؟ فرمود: به آنان بگو: خداوند نماز را به رسولش فرستاد و نامی از سه یا چهار رکعتی بودن آن نبرد تا آن که پیغمبر صلى الله عليه وآله آن را (برای مردم) تفسیر نمود، آیه حج نازل شد و فرموده بود هفت بار طواف کنید تا آنکه

## پرستاره‌ترین آسمان

پیغمبر ﷺ آن را تفسیر نمود، و خدا آیه اطیعوا الله و اطیعوا... را در حقّ علی و حسن و حسین ﷺ نازل کرد...

[توضیح: با توجه به شدت دشمنی دشمنان خاندان رسالت و کینه توزی عمیق آنان با مولا علی ﷺ و اهل بیت بزرگوارش، اگر صریحاً نامی از آنان در قرآن برده می‌شد قدر مسلم آن بی‌دین‌های دنیا پرست و خدانشناس، نام مقدّس آنان را از قرآن حذف و نام خود را جایگزین آن می‌نمودند، و خدای تعالی جهت حفاظت این قرآن از گزند هرگونه آفات لفظی، اینگونه تدبیر فرموده که صریحاً اسامی آن ذوات مقدّسه (جز شخص شخیص پیغمبر والا مقام خود، حضرت محمد بن عبدالله ﷺ) را در این کتاب نبرد ولی بطور توصیفی در لابلای آیات کتاب خود از ایشان سخن به میان آورد.]

فصل ۱



### آیه ۵

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا﴾<sup>۹</sup>  
ای مردم! برای هدایت شما از جانب پروردگارتان برهانی محکم آمد و نوری تابان به شما نازل فرستادیم.

#### حدیث ۱:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: قَالَ النُّورُ وَلايَةُ عَلِيٍّ ﷺ<sup>۱۰</sup>  
امام صادق ﷺ فرمود: منظور از نور (در این آیه)، ولایت علی بن ابیطالب ﷺ است.

حدیث ۲:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْبُرْهَانُ مُحَمَّدٌ وَ النَّوْرُ عَلِيٌّ. ۱۱  
حضرت صادق ع فرمود: منظور از برهان،  
حضرت محمد ص و منظور از نور، امیرالمؤمنین  
علی ع است.



آیه ۶

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ  
الْإِسْلَامَ دِينًا﴾. ۱۲

امروز دینتان کامل و نعمت خویش را بر شما تمام کردم و دین  
اسلام را برای شما پسندیدم.

فصل ۱

حدیث:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ  
لَكُمْ دِينَكُمْ. الْآيَةَ. فَقَالَ النَّبِيُّ ص: اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى إِكْمَالِ  
الدِّينِ، وَ إِتْمَامِ النِّعْمَةِ، وَ رَضَى الرَّبُّ بِرِسَالَتِي وَ الْوَلَايَةِ  
لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع. ۱۳

ابی سعید خدری می گوید: آیه الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ  
دِينَكُمْ که نازل شد پیامبر ص فرمود: بزرگ است  
خدا بر اکمال دین و اتمام نعمت، و پروردگار عالم به  
رسالت من و به ولایت علی بن ابی طالب ع خشنود  
گردید.

۲۳

### آیة ۷

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ  
يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ ۱۴

سرپرست شما فقط خدا و پیغمبر او و کسانی هستند که ایمان  
دارند و اقامه نماز می کنند و در حال رکوع، زکات می دهند.

حدیث:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليهما السلام: إِنَّهَا نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ  
حِينَ تَصَدَّقَ بِخَاتَمِهِ وَ هُوَ رَاكِعٌ. ۱۵

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده: این آیه  
در شأن علی بن ابیطالب علیه السلام نازل گردید در آن هنگام  
که در حال رکوع انگشتری خود را صدقه داد.

فصل ۱



### آیة ۸

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا  
يُحْيِيكُمْ﴾ ۱۶

ای کسانی که ایمان دارید، خدا و پیامبر را اجابت کنید وقتی شما  
را به چیزی دعوت می کنند که سبب حیات (طیبه و جاودانی) شما  
می گردد.

۲۴

حدیث:

عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: أَنَّهُ نَزَلَتْ فِي وِلَايَةِ عَلِيٍّ عليه السلام ۱۷  
امام صادق علیه السلام فرمود: این آیه در شأن و در  
ولایت علی علیه السلام است.



(آنچه که به شما مؤمنان حیات طیبه و جاودانی  
می دهد ولایت مولا الموالی علیه السلام است)



### آیه ۹

﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ ۱۸

تو فقط بیم رسانی در حالی که هر گروهی را رهبری هست.

حدیث:

رَوَى عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ الْآيَةُ، قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ صلى الله عليه وآله: أَنَا الْمُنذِرُ وَعَلِيُّ الْهَادِي مِنْ بَعْدِي، يَا عَلِيُّ  
بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ. ۱۹

فصل ۱

از ابن عباس روایت شده که وقتی آیه «إِنَّمَا أَنْتَ  
مُنذِرٌ» نازل شد رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: بیم رسان  
منم و علی هادی امت بعد از من است، یا علی به  
وسیلهی تو هر طالب هدایت، به راه راست هدایت  
می شود.



### آیه ۱۰

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ  
بَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ ۲۰

۲۵

کسانی که کافرند می گویند: تو پیغمبر نیستی، بگو: خدا و آنکه  
علم کتاب آسمانی نزد اوست میان من و شما برای شهادت دادن  
کافی هستند.

حدیث ۱:

## پرستاره‌ترین آسمان

رُوِيَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليهما السلام: أَنَّ الْمُرَادَ بِهِ  
عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ وَ أُمَّتَهُ الْهُدَى عليها السلام ٢١

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده که: مراد از  
مَنْ عِنْدَهُ الْكِتَابُ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ عليهما السلام وَ أُمَّتَهُ هُدَى عليها السلام  
هستند.

### حدیث ٢:

سَأَلَ رَجُلٌ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ أَفْضَلِ  
مَنْقِبَةٍ لَهُ، فَقَرَأَ الْآيَةَ وَ قَالَ: إِيَّايَ عِنِّي بِمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ  
الْكِتَابِ. ٢٢

مردی از علی بن ابیطالب علیه السلام در مورد برترین  
فضیلت قرآنی آن حضرت سؤال کرد، آن بزرگوار  
این آیه را تلاوت نمود و فرمود: منظور از مَنْ عِنْدَهُ  
عِلْمُ الْكِتَابِ من می باشم.

فصل ١

[توضیح: خداوند متعال در این آیه‌ی شریفه، علی علیه السلام را در  
خصوص شهادت به رسالت نبی مکرم خود، همردیف خود قرار  
داده و این معیت، بزرگترین فضیلت قرآنی آن حضرت است.]



## آیه ١١

﴿وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ، فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ  
الْوُثْقَى﴾. ٢٣

٢٦

آن که روی تسلیم و رضا به سوی خدا آورد و نیکوکار باشد، به  
دستاویز محکمی چنگ زده است.

حدیث:

عَنِ الرَّضَاءِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ ﷺ: سَيَكُونُ بَعْدِي فِتْنَةٌ مُظْلِمَةٌ التَّاجِي مِنْهَا مَنْ  
تَمَسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَا الْعُرْوَةُ  
الْوُثْقَى؟ قَالَ: وَلايَةُ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ  
سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ؟ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَ  
مَنْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ: مَوْلَى الْمُسْلِمِينَ وَ إِمَامُهُمْ  
بَعْدِي، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَنْ مَوْلَى الْمُسْلِمِينَ وَ  
إِمَامُهُمْ بَعْدَكَ؟ قَالَ: أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ٢٤

فصل ۱

حضرت رضا علیه السلام از قول پدرانش نقل کرد که  
رسول خدا ﷺ فرمود:

بعد از من فتنه‌ای گمراه کننده تاریک به وجود  
می‌آید، کسی که به عروقه الوثقی چنگ بزند از این  
فتنه نجات می‌یابد. گفته شد: یا رسول الله!  
عروقه الوثقی چیست؟ فرمود: ولایت سید الوصیین.  
باز سؤال شد: سید الوصیین کیست؟ فرمود:  
امیرالمؤمنین. گفتند: امیرالمؤمنین کیست؟ فرمود:  
آنکه مولای مسلمین و بعد از من امام و پیشوای  
آنهاست. گفته شد یا رسول الله! چه کسی مولای  
مسلمین و بعد از شما پیشوای ایشان است؟ فرمود:  
برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام.



## آیه ۱۲

﴿وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾ ۲۵

و همه چیز را در امام مبین احصا کرده ایم.

حدیث:

عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ عليه السلام  
عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عليه السلام قَالَ: لَمَّا أُنزِلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى  
رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله «وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ»  
قَامَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ مِنْ مَجْلِسَيْهِمَا فَقَالَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! هُوَ  
التَّوْرَةُ؟ قَالَ: لَا، قَالَا: فَهُوَ الْإِنْجِيلُ؟ قَالَ: لَا، قَالَا: فَهُوَ  
الْقُرْآنُ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فَأَقْبَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عليه السلام -  
فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: هُوَ هَذَا، إِنَّهُ الْإِمَامُ الَّذِي أَحْصَى  
اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ. ۲۶

فصل ۱

ابی الجارود از امام محمد باقر عليه السلام و آن حضرت  
هم از جدش: روایت نموده که فرمود: وقتی این آیه  
بر رسول خدا صلى الله عليه وآله نازل شد: «وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي  
إِمَامٍ مُّبِينٍ» ابوبکر و عمر از جا برخاستند و گفتند: ای  
رسول خدا! منظور از امام مبین، تورات است؟  
فرمود: خیر، گفتند: انجیل است؟ فرمود: خیر، گفتند:  
قرآن است؟ فرمود: خیر. - راوی گوید: در این بین  
امیرالمؤمنین علی عليه السلام وارد شد - رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:  
منظور این شخص است، او است امامی که خداوند

۲۸

علم همه چیز را در وجود او احصا نموده است.

### آیه ۱۳

﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ، بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ، يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْثُ وَالْمَرَجَانُ﴾ ۲۷

دو دریا را گذاشت که به هم برسند، میانشان حایلی است که به هم غلبه نکنند، پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟ از آن لؤلؤ و مرجان بیرون می‌شود.

### حدیث

عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» قَالَ: عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ. «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» قَالَ عليه السلام: لَا يَبْغِي عَلِيٌّ عليه السلام عَلِيَّ فَاطِمَةَ وَ لَا فَاطِمَةُ يَبْغِي عَلِيَّ عليه السلام عَلِيَّ، «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْثُ وَالْمَرَجَانُ» قَالَ: الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهما السلام ۲۸

فصل ۱

جابر جعفی از امام صادق عليه السلام در تفسیر کلام خدا «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: منظور از دو دریا علی و فاطمه علیهما السلام هستند «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ». یعنی هیچکدام از این دو بر دیگری نمی‌چربد (نمی‌خروشد)، «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْثُ وَالْمَرَجَانُ» مراد از لؤلؤ و مرجان، امام حسن و امام حسین علیهما السلام می‌باشد.

۲۹



### آیه ۱۴

## پرستاره ترین آسمان

﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ، عَنِ النَّبَاءِ الْعَظِيمِ، الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ،  
كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ﴾. ۲۹

از چه می پرسند؟ از آن خبر بزرگ، همانکه درباره آن اختلاف دارند؟ بزودی خواهند دانست، آری بزودی خواهند دانست.

### حدیث ۱:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ، عَنْ أَبِي حَمْرَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: هِيَ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام، كَانِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ: مَا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ آيَةٌ هِيَ أَكْبَرُ مِنِّي وَ لِاللَّهِ مِنْ نَبَأٍ أَعْظَمَ مِنِّي ۳۰

محمد بن فضیل از ابی حمزه از امام باقر عليه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمود این آیه در شان امیرالمؤمنین عليه السلام است. حضرت علی عليه السلام می فرمود: برای خدا آیه ای بزرگتر از من و خبری عظیم تر از من نیست.

فصل ۱

### حدیث ۲:

عَنِ الرَّضَاءِ عليه السلام عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا عَلِيُّ! أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ أَنْتَ بَابُ اللَّهِ وَ أَنْتَ الطَّرِيقُ إِلَى اللَّهِ وَ أَنْتَ النَّبَأُ الْعَظِيمُ وَ أَنْتَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَ أَنْتَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى. ۳۱

حضرت امام رضا عليه السلام از پدرانیش و از حسین بن علی عليه السلام روایت می کند که رسول خدا ﷺ خطاب به علی عليه السلام فرمود: تو حجت خدا و باب الله و راه بسوی

۳۰

او هستی و تویی آن خبر عظیم و تویی صراط  
مستقیم و مثل اعلیٰ. (آئینه تمام نمای صفات جلال و  
جمال خدا)



### مدارک چهارده آیه و تفسیر

- |                                   |                                   |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| ۱۷- تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۱۸        | ۱- البقرة ۲: ۲۷۴                  |
| ۱۸- الرعد ۷: ۱۳                   | ۲- تفسیر درالمنثور، ص ۳۶۳         |
| ۱۹- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲       | ۳- آل عمران ۳: ۷                  |
| ۲۰- الرعد ۱۳: ۴۳                  | ۴- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۱۳          |
| ۲۱- تفسیر مجمع البیان، ج ۶، ص ۳۰۱ | ۵- آل عمران ۳: ۱۰۳                |
| ۲۲- تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۸۶        | ۶- تفسیر صافی، ج ۲، ص ۹۸          |
| ۲۳- لقمان ۳۱: ۲۲                  | ۷- النساء ۴: ۵۹                   |
| ۲۴- تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۷۹       | ۸- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۱        |
| ۲۵- یس ۳۶: ۱۲                     | ۹- النساء ۴: ۱۷۴                  |
| ۲۶- معانی الاخبار، ص ۹۵           | ۱۰- تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۴۷ |
| ۲۷- الرحمن ۵۵: ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲  | ۱۱- تفسیر عیاشی، ج ۱۷، ص ۲۸۵      |
| ۲۸- تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۶۵       | ۱۲- المائدة ۵: ۳                  |
| ۲۹- النبأ ۷۸: ۱-۵                 | ۱۳- الغدير، ج ۱، ص ۲۳۱            |
| ۳۰- تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۱۹       | ۱۴- المائدة ۵: ۵۵                 |
| ۳۱- تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۲۰       | ۱۵- تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۱۰ |
|                                   | ۱۶- الانفال ۸: ۲۴                 |





## فصل دوم

عاشق

و  
چهارده فراز از خطبه‌ی غدیر



## فراز

فَأَوْحَىٰ إِلَيَّ: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا  
 أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ - فِي عَلِيِّ يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ -  
 ﴿وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾  
 مَعَاشِرَ النَّاسِ! مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ إِلَيَّ، وَ أَنَا أُبَيِّنُ  
 لَكُمْ سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ: إِنَّ جَبْرَائِيلَ هَبَّطَ إِلَيَّ مِرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ  
 رَبِّي - وَهُوَ السَّلَامُ - أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأُعَلِّمُ كُلَّ أَبْيَضٍ وَ أَسْوَدٍ: أَنَّ  
 عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيِّ وَ خَلِيفَتِي عَلَىٰ أُمَّتِي وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي،  
 الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ إِلَّا أَنَّهُ لَأَنْبِيَّ بَعْدِي وَ هُوَ وَ لِيُكْمِ  
 بَعْدَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ.

فصل ۱۲

خداوند به من چنین وحی کرده است: «ای پیامبر ابلاغ کن آنچه  
 از طرف پروردگارت بر تو نازل شده - درباره علی یعنی خلافت  
 علی بن ابی طالب (علیه السلام) - و اگر ابلاغ نکنی رسالت او را نرسانده‌ای، و  
 خداوند تو را از شر مردم حفظ می‌کند».

ای مردم، من در رساندن آنچه خداوند بر من نازل کرده کوتاهی  
 نکرده‌ام، و من سبب نزول این آیه را برای شما بیان می‌کنم:  
 جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف سلام (یعنی)  
 پروردگارم - که او سلام است - مرا مأمور کرد که در این محل در  
 اجتماع مردم بپاخیزم و بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم که: علی بن

## پرستاره‌ترین آسمان

ابی طالب علیه السلام برادر من و وصی من و جانشین من بر امتم و امام بعد از من است. نسبت او بمن همانند نسبت هارون به موسی است جز اینکه پیامبری بعد از من نیست. و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش می‌باشد.»



### فراز ۲

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ ذَلِكَ فِيهِ وَ أَفْهَمُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَ إِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ عَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَ عَلَى الْبَادِي وَ الْحَاضِرِ وَ عَلَى الْعَجَمِيِّ وَ الْعَرَبِيِّ، وَ الْحُرِّ وَ الْمَمْلُوكِ وَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ، وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَ الْأَسْوَدِ، وَ عَلَى كُلِّ مَوْحِدٍ مَأْضٍ حُكْمُهُ، جَازٍ قَوْلُهُ، نَافِذٌ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَ صَدَّقَهُ، فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَ أَطَاعَ لَهُ.

فصل ۱۲

ای مردم، این مطلب را درباره او بدانید و بفهمید، و آگاه باشید که خداوند او را برای شما صاحب اختیار و امامی قرار داده که اطاعتش را بر مهاجرین و انصار و تابعین آنان به نیکی، و بر روستایی و شهری، و عجمی و عربی، و آزاد و بنده، و بزرگ و کوچک، و بر سفید و سیاه واجب نموده است. بر هر یکتا پرستی حکم او لازم الاجراء و کلام او مورد عمل و امر او نافذ است. هر کس با او مخالفت کند ملعون و هر کس که تابع او بوده و او را تصدیق نماید مورد رحمت الهی است. خداوند به خاطر او هر کس را که از او شنوایی داشته و اطاعتش نماید می‌آمرزد.

۳۶



### فراز ۳

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضْلُوهُ، مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ، وَكُلُّ عِلْمٍ  
عَلَّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ عَلَيًّا، وَ  
هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: ﴿وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ  
فِي إِمَامٍ مُبِينٍ﴾.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَايَتَهُ  
وَلَنْ يَغْفِرَ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ وَ أَنْ يُعَذِّبَهُ  
عَذَابًا نَكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ. فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ، فَتَصَلُّوا نَارًا  
وَقُودَهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةَ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.

ای مردم، علی را (بر دیگران) فضیلت دهید. هیچ علمی نیست  
مگر آن‌که خداوند آنرا در من جمع کرده و هر علمی را که  
آموخته‌ام در امام‌المتقین جمع نموده‌ام، و هیچ علمی نیست مگر  
آن‌که آن را به علی علیه السلام تعلیم دادم. اوست: امام‌مبین‌که خداوند در  
سوره‌ی یس ذکر کرده است: ﴿وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ﴾،  
و هر چیزی را در امام‌مبین جمع کردیم.

ای مردم، او از طرف خداوند امام است، و خداوند توبه منکر  
ولایت او را هرگز نمی‌پذیرد و او را نمی‌بخشد. بر خداوند است با  
مخالفتان فرمان او چنین کند و او را به عذابی شدید برای همیشه تا  
آخر روزگار معذب نماید. پس بپرهیزید از این‌که با او مخالفت کنید  
و گرفتار آتشی شوید که آتشگیره آن مردم و سنگها هستند و برای  
کافران آماده شده است.

فصل ۱۲

## فراز

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى مَا  
 أَنْزَلَ اللَّهُ الرَّزْقَ وَ بَقِيَ الْخَلْقِ. مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَعْضُوبٌ مَعْضُوبٌ مَنْ رَدَّ  
 عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُؤَافِقْهُ. أَلَا إِنَّ جَبْرَائِيلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَ  
 يَقُولُ: «مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَ غَضَبِي»، ﴿وَلَنَنْظُرُ نَفْسًا  
 مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ﴾ - أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا - ﴿إِنَّ اللَّهَ  
 خَبِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾.

ای مردم، علی را فضیلت دهید که او افضل مردم بعد از من از  
 مرد و زن است تا مادامی که خداوند روزی را نازل می کند و خلق  
 باقی هستند. ملعون است ملعون است، مورد غضب است مورد  
 غضب است کسی که این گفتار مرا رد کند و با آن موافق نباشد.  
 بدانید که جبرئیل از جانب خداوند تعالی این خبر را برای من آورده  
 است و می گوید: «هر کس با علی دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد  
 لعنت و غضب من بر او باد». هر کس باید ببیند برای فردای خود چه  
 پیش فرستاده است. از خدا بترسید از این که با علی مخالفت کنید و  
 در نتیجه ی مخالفت با او قدم بعد از ثابت بودن آن بلغزد، (و مایه  
 سقوط انسان شود) خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است.

فصل ۱۲



## فراز ۵

مَعَاشِرَ النَّاسِ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ وَ أَنْظَرُوا إِلَيَّ مُحْكَمَاتِهِ وَ  
 لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ، فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَنْ يُوضِحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا  
 الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَ مُصْعِدُهُ إِلَيَّ وَ سَائِلٌ بِعَضُدِهِ وَ رَافِعُهُ بِيَدِي وَ

مُعَلِّمُكُمْ: أَنْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، وَ هُوَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي  
وَوَصِيِّي، وَ مَوْلَاتُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ هُمُ الثَّقَلُ  
الْأَصْغَرُ، وَ الْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِئٌ عَنِ صَاحِبِهِ وَ  
مُؤَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. أَلَا إِنَّهُمْ أُمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ  
حُكَّامُهُ فِي أَرْضِهِ.

ای مردم، قرآن را تدبیر نمائید و آیات آن را بفهمید و در  
محکمات آن نظر کنید و به دنبال متشابه آن نروید. به خدا قسم، باطن  
آن را برای شما بیان نمی‌کند و تفسیرش را برایتان روشن نمی‌نماید  
مگر این شخصی که من دست او را گرفته و او را به سوی خود بالا  
می‌برم و بازوی او را می‌گیرم و با دو دستم او را بلند می‌کنم و شما را  
آگاه می‌نمایم از این‌که: «هر کس من صاحب اختیار اویم این علی  
صاحب اختیار او است». و او، علی بن ابی طالب برادر و جانشین من  
است، و ولایت او از جانب خداوند عزّ و جلّ است که (وجوب و  
ابلاغ آن را) بر من نازل نموده است.

فصل ۱۲

ای مردم، علی و پاکان از فرزندانم از نسل او ثقل اصغر و قرآن  
ثقل اکبر است. هر یک از این دو از دیگری خبر می‌دهد و با آن  
موافق و همراه است. آنها از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در سر  
حوض کوثر بر من وارد شوند. بدانید که آنان اُمَنَاءِ خداوند بین  
مردم و حاکمان او در زمین هستند.

۳۹



فراز ۶

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَاعِي عِلْمِي، وَخَلِيفَتِي فِي  
أُمَّتِي عَلِيٌّ مَنْ آمَنَ بِي وَ عَلِيٌّ تَفْسِيرُ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالِدَاعِي إِلَيْهِ وَ  
الْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَ الْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ وَ الْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ وَ النَّاهِي عَنِ  
مَعْصِيَتِهِ. إِنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْإِمَامُ الْهَادِي مِنَ اللَّهِ، وَ  
قَاتِلُ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ.  
يَقُولُ اللَّهُ: ﴿ مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلَ لَدَيَّ ﴾. بِأَمْرِكَ يَا رَبِّ أَقُولُ: اللَّهُمَّ وَالِ  
مَنْ وَالٍ مِنْ وَالَاهُ وَغَادٍ مِنْ غَادَاهُ وَ أَنْصَرَ مَنْ نَصَرَهُ وَ أَخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ  
الْعَنُ مَنْ أَنْكَرَهُ وَ اغْضِبْ عَلَيَّ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ.

ای مردم، این علی برادر و وصی و گنجینه علم، و جانشین من در  
امت‌م که به من ایمان آورده‌اند می‌باشد، او جانشین من برای تفسیر  
کتاب خداوند عزّ و جلّ دعوت‌کننده به سوی آن، و عمل‌کننده به  
آنچه او (یعنی خدا) را راضی می‌کند می‌باشد، او جنگ‌کننده با  
دشمنان خدا و دوستی‌کننده با اطاعت‌کنندگان از او و نهی‌کننده از  
معصیت اوست.

فصل ۱۲

اوست خلیفه رسول خدا، و اوست امیرالمؤمنین و امام هدایت  
کننده از طرف خداوند، و اوست قاتل ناکثان و قاسطان و مارقان به  
امر خداوند.

خداوند می‌فرماید: ﴿ مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلَ لَدَيَّ ﴾، «سخن در پیشگاه  
من تغییر نمی‌پذیرد»، پروردگارا، به امر تو می‌گوییم: «خداوند  
دوست بدار هرکس که علی را دوست بدارد و دشمن بدار هرکس  
که علی را دشمن بدارد، و یاری کن هرکس علی را یاری کند و  
خوار کن هرکس علی را خوار کند، و لعنت نما هرکس علی را



انکار کنند و غضب نما بر هر کس که حقّ علی را انکار نماید».



## فراز ۷

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ. فَمَنْ لَمْ يَأْتَمَّ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ. ﴿لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابَ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾.

... أَلَا وَإِنَّهُ لَا يُبْعِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيًّا، وَلَا يُوَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيًّا، وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ. وَ فِي عَلِيٍّ - وَاللَّهِ - نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ إِلَّا عَلِيًّا الَّذِي آمَنَ وَ رَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ.

فصل ۱۲

ای مردم، خداوند دین شما را با امامت او کامل نمود، پس کسانی که تا روز قیامت و روز رفتن به پیشگاه خداوند عز و جل، اقتدا به او و به کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او هستند نکنند، اعمالشان در دنیا و آخرت تباه، و در آتش دائمی مُعَذَّب خواهند بود. عذاب آنان تخفیف نمی‌یابد و به آنها هم مهلت داده نمی‌شود.

... بدانید که با علی دشمنی نمی‌کند مگر شقی و با علی دوستی نمی‌کند مگر با تقوی، و به او ایمان نمی‌آورد مگر مؤمن مخلص. بخدا قسم سوره «والعصر» درباره‌ی علی نازل شده است: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ قسم به عصر، انسان در زیان است، مگر علی ۷ که ایمان آورد و به حق و صبر راضی شد.

## فراز

مَعَاشِرَ النَّاسِ، ﴿آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ﴾. بِاللَّهِ مَا عَنَى بِهَذِهِ الْآيَةِ الْأَقْوَمَاءَ مِنْ أَصْحَابِي أَعْرِفُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَنْسَابِهِمْ، وَقَدْ أَمَرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ. فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ عَلَى مَا يَجِدُ لِعَلِّي فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَسْلُوكٌ فِيَّ ثُمَّ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ وَالْمُعَانِدِينَ وَالْمُخَالِفِينَ وَالْخَائِنِينَ وَالْأَثِمِينَ وَالظَّالِمِينَ وَالْغَاصِبِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ.

فصل ۱۲

ای مردم، «به خدا و رسولش و به نوری که همراه او نازل شده ایمان آورید، قبل از آنکه به رویتان از اثر ضلالت خط محو و ضلالت کشیم یا گونه‌هایتان را واژگون کنیم و یا آن که بر شما به مانند اصحاب سبت لعنت و عذاب فرستیم». به خدا قسم، از این آیه قصد نشده است مگر قومی از اصحابم که آنان را به اسم و نسبشان می‌شناسم ولی مأمورم که از آنان پرده پوشی کنم. پس هر کس عمل کند مطابق آنچه در قلبش از حب یا بغض نسبت به علی می‌یابد.

۴۲

ای مردم، نور از جانب خداوند عز و جل در من و سپس در علی بن ابی طالب و بعد در نسل او تا مهدی قائم نهاده شده است. اوست حق خداوند و حقوق ما را می‌گیرد، چرا که خداوند عز و

جَلَّ مَا رَأَى بِرِكَوَاتِهِ كُنُودًا وَ بِرِ مَعَانِدَانِ وَ مَخَالِفَانِ وَ خَائِنَانِ وَ  
گناهکاران و ظالمان و غاصبان از همه عالمیان حجت قرار داده  
است.



## فراز ۹

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَ وِرَاثَةً فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ قَدْ  
بَلَّغْتُ مَا أَمَرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ  
شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ وَ لِدًا أَوْ لَمْ يُولَدْ، فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى  
يَوْمِ الْقِيَامَةِ. وَ سَيَجْعَلُونَ الْإِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكًا وَ اغْتِصَابًا، أَلَا لَعَنَ اللَّهُ  
الْغَاصِبِينَ الْمُغْتَصِبِينَ، وَ عِنْدَهَا سَيَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ وَ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا  
سُورَاظٌ مِنْ نَارٍ وَ نُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ.

فصل ۱۲

ای مردم، من امر خلافت را بعنوان امامت و وراثت در نسل خود  
تا روز قیامت به ودیعه می سپارم، و من آنچه را که مأمور به ابلاغش  
بودم رسانیدم تا بر حاضر و غائب و بر همه کسانی که حضور دارند  
یا ندارند، به دنیا آمده یا نیامده اند حجت باشد. پس حاضران به  
غائبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت (آنچه را که من به شما ابلاغ  
نمودم) برسانند.

و به زودی امامت را بعد از من به عنوان پادشاهی و (آنهم) با  
ظلم و زور می گیرند. آگاه باشید خداوند غاصبین و تعدی کنندگان  
را لعنت کند. و در آن هنگام است - ای جنّ و انس - که به حساب  
کار شما خواهیم پرداخت و خداوند بر سر شما شراره های آتش و  
مس گداخته فرود آورد و هیچ نصرت و نجاتی نیابید.



## فراز ۱۰

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلَيَّ  
مِنْ بَعْدِي، ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَّةُ الْهُدَى، يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَ بِهِ  
يَعْدِلُونَ.

ثُمَّ قَرَأَ: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...﴾  
إِلَى آخِرِهَا، وَقَالَ: فِيَّ نَزَلَتْ وَ فِيهِمْ وَ اللَّهُ نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَّتْ وَ إِيَّاهُمْ  
خَصَّتْ، أَوْلِيكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ، أَلَا إِنَّ  
حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْعَالِيُونَ.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ الْغَاوُونَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ يُوحِي بَعْضُهُمْ  
إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفِ الْقَوْلِ غُرُورًا.

فصل ۱۰

ای مردم، من راه مستقیم خداوند هستم که شما را به تبعیت از آن  
امر نموده، و سپس علی علیه السلام بعد از من، و سپس فرزندانم از نسل او  
که امامان هدایت‌اند. آنان مردم را به حق هدایت می‌کنند و به یاری  
حق به عدالت رفتار می‌نمایند.

سپس حضرت چنین خواندند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ  
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...» تا آخر سوره حمد و سپس فرمودند:

این سوره درباره من نازل شده، و به خدا قسم درباره ایشان  
(امامان) نازل گردیده و به طور عموم شامل آنها و اختصاصاً نیز  
درباره آنان است. ایشان دوستان خداوندند که ترسی بر آنان نیست و  
محزون نمی‌شوند، بدانید که حزب خداوند غالب و پیروز است.  
و آگاه باشید که دشمنان ایشان سفهاء گمراه و برادران شیاطین

اند که اباطیل را از روی غرور به یکدیگر می‌رسانند.

## فراز ۱۱

مَعَاشِرَ النَّاسِ، عَدُوْنَا مَنْ ذَمَّهُ اللهُ وَلَعَنَهُ، وَوَلِيْنَا كُلُّ مَنْ مَدَحَهُ اللهُ  
وَآحَبَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي التَّذِيْرُ وَعَلِيٌّ الْبَشِيْرُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي مُنْذِرٌ وَعَلِيٌّ هَادٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلِيٌّ وَصِيْبِي.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي رَسُوْلٌ وَعَلِيٌّ الْإِمَامُ وَالْوَصِيُّ مِنْ بَعْدِي وَ  
الْأَيْمَةُ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدُهُ. أَلَا وَإِنِّي وَالِدُهُمْ وَهُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ صُلْبِيهِ.

ای مردم، دشمن ما کسی است که خداوند او را مذمت و لعنت  
نموده، و دوست ما آن کسی است که خداوند او را مدح نموده و  
دوستش بخشد.

ای مردم، بدانید که من نذیر و ترساننده‌ام و علی بشارت دهنده  
است.

ای مردم، بدانید که من مُنْذِرٌ و برحذر دارنده‌ام و علی هدایت  
کننده است.

ای مردم، من پیامبرم و علی جانشین من است.

ای مردم، بدانید که من پیامبرم و علی امام و وصی بعد از من  
است، و امامان بعد از او فرزندان اویند. بدانید که من پدر آنانم  
گرچه ظاهراً آنها از صلب او به وجود می‌آیند.

## فراز ۱۲

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْفَائِمَ الْمَهْدِيَّ. أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ. أَلَا إِنَّهُ

الْمُنْتَقِمِ مِنَ الظَّالِمِينَ. أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَ هَادِمُهَا. أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشُّرْكِ وَ هَادِيهَا. أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ. أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِذِي اللَّهِ، أَلَا إِنَّهُ الْغَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ. أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ كُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ. أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَ مُخْتَارُهُ. أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ.

أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْمُسَيِّدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ. أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّدِيدُ. أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوِّضُ إِلَيْهِ. أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ. أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ. أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ. أَلَا وَ إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ حَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ.

بدانید که آخرین امامان، مهدی قائم است که از ماست. اوست غالب بر ادیان، اوست انتقام گیرنده از ظالمین، اوست فاتح قلعه‌ها و منهدم کننده آنها، اوست غالب بر هر قبیله‌ای از اهل شرک و هدایت کننده آنان.

فصل ۱۲

بدانید که او گیرنده انتقام خون همه از اولیاء خدا و یاری دهنده‌ی دین خدا می‌باشد.

بدانید که او نهر بسیار پرآب از دریای عمیقی است. او هر صاحب فضیلتی را به قدر فضلش و هر صاحب جهالتی را به قدر جهلش می‌شناسد. همانا او انتخاب شده و اختیار شده خداوند، و وارث همه علوم و محیط بر همه آنهاست.

۴۶

آگاه باشید که او خیر دهنده‌ی از جانب پروردگارش، و بالا برنده‌ی آیات الهی و هدایت یافته محکم بنیان است که کارها به او

سپرده شده است.

اوست که پیشینیان به او بشارت داده‌اند، اوست که بعنوان حجت باقی می‌ماند و بعد از او حجتی نیست. هیچ حقی نیست مگر همراه او، و هیچ نوری نیست مگر نزد او. بدانید او کسی است که غالبی بر او نیست و کسی بر ضد او کمک نمی‌شود. او ولی خدا در زمین و حکم‌کننده او بین خلقش و امین او بر نهان و آشکارش می‌باشد.



### فراز ۱۳

أَلَا وَ أَنِّي أُجَدِّدُ الْقَوْلَ: أَلَا فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ اتُّوا الزَّكَاةَ وَ أَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَلَا وَ إِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَ تَبَلَّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ عَنِّي وَ تَنْهَوهُ عَن مُخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مِنِّي. وَ لِأَمْرٍ بِمَعْرُوفٍ وَ لِأَنْهْيٍ عَن مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

فصل ۱۲

مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ، وَ عَرَّفْتُكُمْ إِنَّهُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: ﴿ وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ ﴾، وَ قُلْتُ: «لَنْ تَضِلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا»

من سخن خود را تکرار می‌کنم: نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید و به کار نیک امر کنید و از منکرات نهی نمائید.

۴۷

بدانید که بالاترین امر بمعروف آنست که سخن مرا بفهمید و آنرا به کسانی که حاضر نیستند برسانید و او را از طرف من به پذیرفتن علی علیه السلام امر کنید و از مخالفتش نهی نمائید. چرا که این

## پرستاره‌ترین آسمان

دستور خداوند عز و جل و فرمان من است، و هیچ امر بمعروف و نهی از منکر تحقق پیدا نمی‌کند مگر با پیروی از امام معصوم. ای مردم، قرآن به شما می‌شناساند که امامان بعد از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرزندان او هستند و من هم شما را آگاه نمودم به این که آنان از نسل من و از نسل اویند. آنجا که خداوند در کتابش می‌فرماید: ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ﴾، «آن (امامت) را بعنوان کلمه باقی در نسل او قرار داد»، و من نیز به شما گفتم: «اگر به آن دو (قرآن و اهل بیت) تمسک نمائید هرگز گمراه نمی‌شوید».



## فراز ۱۴

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَبَايَعُوا اللَّهَ وَ بَايَعُونِي وَ بَايَعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ كَلِمَةً بَاقِيَةً. يَهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَ يَرْحَمُ مَنْ وَفَى، ﴿وَ مَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْنَهُ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾.

فصل ۱۲

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ وَ سَلِّمُوا عَلَيَّ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قُولُوا: ﴿سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾، وَ قُولُوا: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾.

ای مردم، با خدا و با من و با علی امیرالمؤمنین و حسن و حسین و امامان از نسل ایشان در دنیا و آخرت، بعنوان امامتی که در نسل ایشان باقی است بیعت کنید. خداوند غدرکنندگان (بیعت شکنان) را هلاک و وفاداران را مورد رحمت قرار می‌دهد. و هر کس بیعت را بشکند به ضرر خویش شکسته است، و هر کس به آنچه با خدا

۴۸



## ﷺ و چهارده فراز از خطبه‌ی غدیر

پیمان بسته وفا کند خداوند به او اجر عظیمی عنایت می‌فرماید.  
ای مردم، آنچه را به شما گفتم بگوئید (تکرار کنید و به آن عقیده‌مند شوید)، و به علی علیه السلام به عنوان «امیرالمؤمنین» سلام کنید و بگوئید «پروردگارا شنیدیم و اطاعت کردیم، و بازگشت ما به سوی توست» و بگوئید: سپاس خدای را که ما را به این امر هدایت کرد، و اگر خداوند ما را هدایت نمی‌نمود ما هرگز هدایت نمی‌شدیم...»



### اسناد و مدارک حدیث غدیر

فصل ۲۰  
توضیح: از مهمترین و معتبرترین احادیث رسول خدا ﷺ حدیث غدیر است که آن حضرت آن را در حضور بیش از ۱۲۰ هزار نفر در وادی جحفه (صحرای غدیر ایراد فرمودند و علامه امینی کتاب گرانسنگ الغدیر خود را در باره این حدیث از ابعاد گوناگون نوشته و علامه میر حامد حسین هندی نیز به طور مفصل اسناد آن را در کتاب عبقات الانوار خود ذکر نموده، و از اصحاب بیش از ۱۰۰۰ نفر، و از تابعین ۸۴ نفر. از علما ۳۵۳ کتاب معتبر تا قرن چهاردهم در این موضوع مهم به رشته تحریر درآورده است. احمد بن حنبل پیشوای حنبلی‌ها به ۴۰ طریق و محمد بن جریر طبری به ۷۵ طریق و جزری مقبری به ۸۰ طریق و ابن عقده به ۱۰۵ طریق و سجستانی به ۱۲۰ طریق و جعابی به ۱۲۵ طریق و میر محمد یمنی به ۱۵۰ طریق آن را نقل نموده‌اند.  
۴۹  
ما فرازهای چهارده‌گانه این فصل را از کتاب «خطابه غدیر»

ترجمه‌ی آقای محمدباقر انصاری ذکر نمودیم

# فصل سوم

عَلَيْهِ

## و چهارده ویژگی

توضیح: این فصل برگرفته‌ای از کتاب «خصائص امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)» است که مؤلف با استفاده از کتب شیعه و سنی به بررسی حدوداً ۴۰ مورد که از اختصاصات آن عزیز خدا و رسول است می‌پردازد. این کتاب آماده چاپ است انشاءالله با فراهم آمدن امکانات، در اولین فرصت به چاپ خواهد رسید.



## مولود کعبه است

حافظ گنجی شافعی در «الکفایه» از طریق ابن نجار از حاکم نیشابوری حکایت می‌کند که او گفته است:

وُلِدَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ بِمَكَّةَ فِي بَيْتِ  
اللَّهِ الْحَرَامِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ لِثَلَاثِ عَشْرَةِ لَيْلَةً خَلَّتْ مِنْ رَجَبٍ  
سَنَةَ ثَلَاثِينَ مِنْ عَامِ الْفِيلِ وَ لَمْ يُوَلَدْ قَبْلَهُ وَ لَا بَعْدَهُ مَوْلُودٌ  
فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ سِوَاهُ، إِكْرَاماً لَهُ بِذَلِكَ وَ إِجْلَالاً لِمَحَلِّهِ  
فِي التَّعْظِيمِ.<sup>۱</sup>

فصل ۱۳

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ۷ در شب جمعه سیزدهم ماه رجب، سی سال بعد از عام الفیل در مکه (ی معظّمه آن‌هم) در داخل خانه‌ی محترم خدا به دنیا آمد؛ نه پیش و نه بعد از او، هیچ کس غیر از او مولود کعبه نیست. این سعادت به جهت گرامیداشت و احترام به مقام او در بزرگی و شرافت، نصیب آن بزرگوار گردیده است.

۵۳

ابن ابی الحدید معتزلی، شارح نهج البلاغه در جزء اول صفحه ۱۴ در مورد یگانه مولود کعبه، مولا علی علیه السلام می‌نویسد:

وَ اُخْتِيفَ فِي مَوْلِدِ عَلِيِّ عليه السلام أَيَّنَ كَانَ؟ فَكَثِيرٌ مِنَ الشَّيْعَةِ  
يَزْعُمُونَ أَنَّهُ وُلِدَ فِي الْكَعْبَةِ، وَ الْمُحَدِّثُونَ لَا يَعْتَرِفُونَ بِذَلِكَ.

## پرستاره ترین آسمان

و در جای ولادت علی علیه السلام که کجاست  
اختلاف است. عده زیادی از شیعیان گمان می کنند او  
در کعبه متولد شده در حالی که اهل حدیث (علماء  
عامه) معترف به این مطلب نیستند.

فقط مرحوم علامه امینی رضوان الله علیه در جلد ۶ کتاب الغدیر  
خود صفحات ۲۲ الی ۳۸ را به ذکر مدارک «ولادت مولا علی علیه السلام در  
کعبه» اختصاص داده است. چقدر منصفانه بود که ابن ابی الحدید و  
امثال او اول به کتب علمای خود مراجعه و پس از اطمینان به عدم  
وجود این گونه احادیث!! نظر خود را اظهار می کردند.

صاحب مستدرک الصحیحین (که از کتب معروف و معتبر اهل  
سنت و جماعت است) در جلد سوم صفحه ۴۸۳ می نویسد:

فَقَدْ تَوَاتَرَتْ الْأَخْبَارُ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ أَسَدٍ وُلِدَتْ  
امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فی جَوْفِ الْكَعْبَةِ  
اخبار به حدّ تواتر رسیده که همانا فاطمه ی بنت  
اسد، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را در جوف  
کعبه به دنیا آورد.



## تنها او امیرالمؤمنین است

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَتَى سُمِّيَ عَلِيٌّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَأَكْرَمُوا  
فَضْلَهُ، سُمِّيَ بِذَلِكَ وَ أَدَمُ بَيْنَ الرُّوحِ وَ الْجَسَدِ حِينَ قَالَ:

«أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى، فَقَالَ تَعَالَى: «أَنَا رَبُّكُمْ وَ مُحَمَّدٌ ﷺ نَبِيُّكُمْ وَ عَلِيٌّ أَمِيرُكُمْ».<sup>۲</sup>

اگر مردم می دانستند که چه موقعی علی علیه السلام ملقب به امیرالمؤمنین شد فضایل او را منکر نمی شدند. زمانی که آدم بین روح و جسد بود او امیرالمؤمنین نامیده شد. آن زمان که خداوند از انسانها سؤال کرد: «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند آری، فرمود: من پروردگار شما هستم و محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر شما و علی علیه السلام امیر شماست.



فصل ۱۳

### او جان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و پیغمبر جان اوست

عایشه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد:

مَنْ خَيْرُ النَّاسِ بَعْدَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! قَالَ ﷺ:  
عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام، هُوَ نَفْسِي وَ أَنَا نَفْسُهُ<sup>۳</sup>

ای رسول خدا! بهترین افراد بعد تو کیست؟ فرمود:

علی بن ابی طالب علیه السلام، او جان من و من جان او هستم.

[توضیح: آیه شریفه مباحله به حقیقت این امر تصریح می فرماید؛

آل عمران ۳: ۶۱]

۵۵





## شاهد بر رسالت خاتم الانبیاست

به لحاظ اهمیت ویژه امر رسالت خاتم الانبیاء حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، خداوند متعال دو شاهد برای آن مشخص کرد که با شهادت دادن آن هیچ جای ابهام و اعتراض برای افراد عاقل و با انصاف باقی نمی‌ماند. این دو شاهد عبارتند از: ۱- خداوند جل جلاله ۲- حضرت علی علیه السلام خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا. قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ

شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾<sup>۴</sup>

کفار می‌گویند: تو فرستاده خدا نیستی، بگو بین من و شما، خدا و کسی که علم کتاب نزد اوست به عنوان شهود کافی است.

فصل ۱۳

خدا که شاهد علی الخلق است، مصداق خارجی مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ کیست؟ تمام مفسران شیعه و سنی از قول رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام نقل کرده‌اند که مراد از مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و پس از ایشان، دوازده معصوم بزرگوارند که امر هدایت خلق را بر عهده دارند. و همانطور که در حدیث ذیل آیه ۱۰ از فصل اول همین کتاب آمد، این آیه عالی‌ترین فضیلت قرآنی آن حضرت می‌باشد.

۵۶





### مخاطب به جمله لافتی الا... می باشد

در غزوه اُحُد مردم (مسلمانان از ترس حملات کاری دشمن) فرار می کردند ولی مولا علی علیه السلام، به تنهایی لشکر دشمن را از اطراف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دور می کرد و یا آن ها را می کشت و البته ۹۰ زخم عمیق هم بر بدن مقدس او در اثر ضربات شمشیر و نیزه دشمن وارد آمد. او از چپ و راست پهلوانان سپاه مخالف را به خاک و خون می کشید تا این که جبرئیل بین زمین و آسمان ندا در داد:

لَا سَيْفُ إِلَّا ذُو الْفِقَارِ وَلَا فِتْنَى إِلَّا عَلِيُّ عليه السلام

فصل ۱۳

شمسیری به غیر از ذوالفقار و جوانمردی مانند

علی عليه السلام (در همه عالم وجود) یافت نمی شود<sup>۵</sup>

[توضیح: مرحوم علامه سید هاشم بحرانی در کتاب «کفایة الختام» باب ۴۳۷ این روایت را هم از قول جبرئیل در روز احد و هم از قول ملکی به نام رضوان در جنگ بدر نقل می نماید.]



### ۵۲ تنها جانشین حقیقی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است

موضوع غدیر خم عمدتاً برای بیان این حقیقت است که خداوند تعالی، مولا علی عليه السلام را به عنوان خلیفه و جانشین رسول مکرم خود حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم تربیت و انتخاب فرموده

## پرستاره‌ترین آسمان

و کسی حق ندارد به هیچ وجه من الوجوه، خواسته خود را بر خواسته حق ترجیح دهد در غیر این صورت کافر، مشرک و منافق خواهد بود.

اگر جای دُرّ هر که گیرد خزف نصیب وی افتد هزاران اسف  
به غیر از تو از سوی پروردگار نبی ﷺ را کسی نیست نعم الخلف  
پیامبر اکرم ﷺ به سلمان فرمود:

يَا سَلْمَانَ! إِنَّ وَصِيَّيَّ وَ خَلِيفَتِي وَ أَخِي وَ وَزِيرِي وَ خَيْرَ مَنْ  
أَخْلَفُهُ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُؤَدِّي دِينِي وَ يُنْجِزُ  
مَوْعِدِي ٦

ای سلمان! همانا وصی و خلیفه و برادر و وزیر  
من و بهترین جانشین بعد از من، علی بن ابی طالب علیه السلام  
است که تعهدات مرا انجام می‌دهد و وعده‌های مرا  
عملی می‌سازد.

فصل ۱۳



## تنها او قائل قول سلونی است

علامه فیروز آبادی به نقل از کتاب «کنز العمال متقی هندی»  
جلد ۶ ص ۴۵، نقل می‌کند که مولا علی علیه السلام فرمودند:

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَإِنِّي لَا أُسْأَلُ عَنْ شَيْءٍ دُونَ  
الْعَرْشِ إِلَّا أَخْبَرْتُ عَنْهُ. ٧

از من بپرسید قبل از آن که مرا از دست بدهید.  
من از موردی مادون عرش (کُلّ علم یا تمام عالم

۵۸

وجود) سؤال نمی شوم مگر آنکه خبر می دهم.

و در حدیث دیگر فرمود:

سَلُونِي فَوَاللَّهِ لَا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ يَكُونُ إِلَيَّ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ إِلَّا حَدَّثْتُكُمْ بِهِ<sup>۸</sup>

از من پرسید، به خدا قسم از چیزی از من تا روز  
قیامت نمی پرسید مگر آن که از آن به شما خبر دهم.  
[توضیح: در فرمایشات هیچکدام از امامان معصوم دیگر نیز  
تعبیر «سَلُونِي» به کار نرفته و هر کس چنین ادعایی نموده بالاخره با  
رسوایی تمام مواجه شده است. داستان رسوا شدن سبط بن جوزی  
وقتی روی منبر گفت: سلونی قبل ان تفقدونی توسط یک بانوی  
مؤمن، مشهور است.

فصل ۱۳

مرحوم علامه امینی اعلی الله مقامه در جلد ۶ کتاب گرانقدر  
«الغدیر» به ذکر اسناد حدیث سلونی از کتب اهل سنت می پردازد.]

علی عجله چون بر تمام خلق از هر حیث اولی شد

پس از پیغمبر اکرم ﷺ به مخلوقات مولی شد

فقط او قائل قول سلونی بود در دنیا

به جز او هر کسی این ادعا بنمود رسوا شد



پیامبر، پدر زن و فاطمه عجله، همسر و

حسنین عجله فرزندان اویند

حضرت رسول اکرم ﷺ می فرمایند:

يَا عَلِيُّ! أُوتِيتَ ثَلَاثًا لَمْ يُؤْتِيَنَّ أَحَدٌ وَلَا أَنَا: أُوتِيتَ صِهْرًا  
مِثْلِي وَ لَمْ أُوتَ أَنَا مِثْلِي، وَ أُوتِيتَ زَوْجَةً صِدِّيقَةً مِثْلَ  
إِبْنَتِي وَ لَمْ أُوتَ مِثْلَهَا زَوْجَةً، وَ أُوتِيتَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ  
مِنْ صُلْبِكَ وَ لَمْ أُوتَ مِنْ صُلْبِي مِثْلَهُمَا، وَلَكِنَّكُمْ مِنِّي وَ  
أَنَا مِنْكُمْ<sup>۹</sup>

یا علی! سه چیز به تو داده شده که به احدی حتی  
به من هم داده نشده: تو پدر زنی داری مانند من، که  
من ندارم و به تو همسر صدیق‌های مانند دخترم داده  
شده که من چنین همسری ندارم و از صلب تو حسن  
و حسین علیهما السلام بوجود آمدند که مانند آن دو از صلب  
من به دنیا نیامدند. ولی با این حال شما از من و من از  
شمایم (همه ما اهل یک خانواده‌ایم).

فصل ۱۳



۹

## ذریه‌ی پیامبر اکرم ﷺ از صلب اوست

محقق توانا مرحوم علامه حاج سید هاشم حسینی تهرانی اعلی  
الله مقامه الشریف در جلد سوم کتاب ارزشمند عقائد الانسان،  
پیرامون این موضوع به ذکر ۳۰ حدیث با ذکر اسناد مختلف از کتبی  
که نزد اهل سنت معتبر است می پردازد. ما در اینجا فقط به ذکر  
یک حدیث آن اکتفا می کنیم:

۶۰

رسول خدا ﷺ می فرمایند:

كُلُّ بَنِي أُمَّ يَنْتَمُونَ إِلَيَّ عَضْبَتِهِمْ إِلَّا وُلْدَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ ، فَإِنِّي  
أَبُوهُمْ وَ عَضْبَتُهُمْ. ١٠

نسبت فرزندی فرزندان هر مادری، به پدران و  
دودمان پدری داده می‌شود جز فرزندان فاطمه علیها السلام  
که من پدر آنان هستم و نسبت فرزندی آنان به من  
داده می‌شود.

[توضیح: شاید این حقیقت در ارتباط با موضوع خلقت نوری  
رسول خدا صلی الله علیه و آله و انشعاب همه انوار مقدسه خاندان او از نور  
مقدسش باشد و به همان دلیل که امیرالمؤمنین علیه السلام برادر رسول  
خدا صلی الله علیه و آله است آن حضرت هم پدر فرزندان اوست. واللّه عالم  
بحقایق الامور]

فصل ١٣

ظاهر همه‌ی صفات «هو» از مولا است  
طاهر دل هر چه پاک خو، از مولا است  
ذریه‌ی هر نبی بود از صلبش  
جز ختم رسل صلی الله علیه و آله که نسل او، از مولا است



## تنها کسی که بر دوش رسول خدا صلی الله علیه و آله پا گذاشت

٦١

یکی از القاب مشهور مولا علی علیه السلام کاسر اَصْنَامِ الْكَعْبَةِ است  
یعنی شکننده‌ی بت‌های کعبه، داستان از این قرار است که:  
در روز فتح مکه چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله از طواف بیت فارغ

## پرستاره‌ترین آسمان

شدند با نوک نیزه بت‌هایی را که مشرکان اطراف خانه چیده و پایه‌های آنها را با سرب و قلع و... محکم نموده بودند به زمین می‌انداخت و می‌فرمود: **جَاءَ الْحَقُّ وَ دَهَقَ الْبَاطِلُ**. بعضی از این بت‌ها در موضع بلندی نصب شده بودند که دست به آنها نمی‌رسید. مولا علی علیه السلام به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله پا بر شانه مبارک آن حضرت گذاشت و همه آنها را بر زمین ریخت. حضرت رضا علیه السلام ذیل آیه مبارکه:

«وَرَفَعْنَا مَكَانًا عَلِيًّا» (مریم ۵۷:۱۹) مقام او را بلند و

مرتبه‌اش را رفیع گردانیدیم، فرمودند:

**نَزَلَتْ فِي صُعودِ عَلِيٍّ علیه السلام عَلَى ظَهْرِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله لِقَلْعِ**

**الصَّنَمِ. ۱۱**

فصل ۱۳

این آیه در خصوص پا گذاشتن علی بر دوش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای سرنگونی بت‌ها (از بام کعبه) نازل گردیده است.

حال چه سرتی در این عمل وجود دارد و چه اتفاقاتی در عالم وجود و در عالم وجودی رسول خدا صلی الله علیه و آله رخ داده کسی جز خدا و معصومین نمی‌داند همین قدر باید دانست در اواخر یک روایت مفصل و ارزنده که مرحوم علامه مجلسی رضوان الله علیه آن را نقل می‌کند آمده که حضرت صادق علیه السلام به محمد حرب هلالی امیر مدینه فرمودند:

**أَيُّهَا الْأَمِيرُ! لَوْ أَخْبَرْتُكَ بِمَا فِي حَمْلِ النَّبِيِّ عَلَيَّا عِنْدَ حُطِّ**

**الْأَصْنَامِ مِنْ سَطْحِ الْكَعْبَةِ مِنَ الْمَعَانِي الَّتِي أَرَادَهَا بِهِ،**

لَقُلْتُ: إِنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ لَمَجْنُونٌ... ۱۲

ای امیر! اگر تو را از اسرار قرار گرفتن امام علی عَلِيٌّ بر دوش پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای فرو ریختن بت‌ها از بام کعبه آگاه کنم و بگویم که از این عمل چه معانی‌ای اراده شده هر آینه خواهی گفت: به یقین جعفر بن محمد (نعوذ بالله) دیوانه است...

در روایت دیگر، حضرت امام صادق عَلِيٌّ در پاسخ به راوی در همین مورد فرمود:

هَيْهَاتَ! وَاللَّهِ لَوْ أَخْبَرْتُكَ بِكُنْهِ ذَلِكَ لَقُمْتَ عَنِّي وَ أَنْتَ تَقُولُ: إِنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ كَاذِبٌ فِي قَوْلِهِ أَوْ مَجْنُونٌ ۱۳

فصل ۱۳

هی‌هات! به خدا قسم اگر تو را از حقیقت این عمل آگاه کنم از کنار من بر می‌خیزی و می‌گویی: همانا جعفر بن محمد یا در قول خود دروغگو و یا دیوانه است.

پایهٔ اسلام و دین را اگر چه پیغمبر گذاشت

رونق دین را خدا در یاری حیدر گذاشت

تا کند اصنام را از بام کعبه سرنگون

بر سر دوش نبی پا، ساقی کوثر گذاشت

۶۳



## برتری یک ضربت او از عبادت ثقلین

مولا علی عَلِيٌّ در جنگ خندق ضربتی بر عمرو بن عبدود وارد

## پرستاره ترین آسمان

آورد که او را به هلاکت رساند و غریب شادی از سپاه اسلام برخاست و پیروزی لشکر اسلام بر سپاه کفر قطعی شد. درباره همین ضربت بود که رسول گرامی اسلام ﷺ فرمودند:

ضَرْبَةُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ. ۱۴

ثواب ضربت علی ﷺ در روز خندق برتر از عبادت جن و انس است.

و عتت عظمی فوق العاده این پادشاه را باید در جمله‌ی دیگر حضرت رسول ﷺ جستجو کرد؛ وقتی مولا علی ﷺ رویاروی عمرو قرار گرفت آن حضرت فرمود:

بَرَزَ الْإِيمَانُ كُلَّهُ إِلَى الشِّرْكِ كُلِّهِ. ۱۵

تمامی ایمان با تمامی کفر به مبارزه برخاست.

وقتی مولا علی ﷺ از کشتن عمرو بن عبدود فارغ شد به سوی رسول خدا ﷺ آمد آن حضرت غبار از چهره او برگرفت و فرمود:

لَوْ وَزَنَ الْيَوْمَ عَمَلَكَ بِعَمَلِ جَمِيعِ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ ﷺ لَرَجَحَ عَمَلَكَ عَلَيَّ عَلَيْهِمْ، وَ ذَاكَ أَنَّهُ لَمْ يَبْقَ بَيْتٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِلَّا وَقَدْ دَخَلَهُ ذُلٌّ يُقْتَلُ عَمْرُو، وَ لَمْ يَبْقَ بَيْتٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا وَقَدْ دَخَلَهُ عِزٌّ يُقْتَلُ عَمْرُو. ۱۶

اگر عمل امروز تو با عمل جمیع امت محمد ﷺ سنجیده شود عمل تو سنگین تر از اعمال آنهاست چرا که از این عمل تو امروز خانه‌ای از مشرکین نیست که در آن به خاطر کشته شدن عمرو، ذلت و خواری و سرافکنندگی وارد نشود، و خانه‌ای از مسلمانان هم نیست که در آن عزت و سربلندی وارد

فصل ۱۳



نگردد.

آری مولا امیرالمؤمنین (علیه السلام) همه ی کفر را که در صدد نابود کردن ایمان بود از بین برد و باید این چنین ارزش والایی به عمل او تعلق گیرد.



### خدا با زبان او با پیامبرش سخن گفت

عبدالله بن عمر گوید: شنیدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در پاسخ به این سؤال که: شب معراج خداوند با زبان و لهجه چه کسی با شما سخن گفت؟ فرمودند:

فصل ۱۳

خاطبتني بلغه علی بن ابي طالب (علیه السلام)

خداوند با صدای علی (علیه السلام) با من سخن گفت.

و به من الهام فرمود تا از او سؤال کنم: پروردگار من! این تویی که با من سخن می‌گویی یا علی؟ فرمود:

يا احمدا! انا شيء لا كالأشياء، لا أقاسُ بالناسِ ولا  
أوصفُ بالأشياء، خلقتك من نوري و خلقتُ علياً من  
نورك و اطلعتُ على سرائرِ قلبك فلم أجِدْ في قلبك  
أحبُّ إليك من علي بن ابي طالب (علیه السلام) فإخا طبتك بلسانه  
كما يطمئنُّ قلبك ١٧

۶۵

ای احمد! من شیئی هستم نه همچون اشیاء، با مردم سنجیده نمی‌شوم و توصیف به (صفات) اشیاء نمی‌گردم. تو را از نور خود و علی (علیه السلام) را از نور تو آفریدم و با آگاهی بر اعماق قلب تو دیدم کسی را

## پرستاره‌ترین آسمان

بیشتر از علی علیه السلام دوست نداری، لذا با زبان او با تو سخن گفتم تا قلبت آرامش و اطمینان یابد.



۱۳

## یگانه بخشندهٔ مخلص انگشتی در رکوع

تنها کسی که در رکوع نماز، انگشت خود را به سائلی که تقاضای کمک کرد بخشید سالار جوانمردان جهان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که بعد از این عمل، آیه شریفه ولایت نازل شد:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾<sup>۱۸</sup>

فصل ۱۳

همانا ولی و سرپرست شما خدا و رسول او و کسانی هستند که ایمان آورده و اقامه‌ی نماز نموده و در حال رکوع زکات می‌دهند.

همهٔ علمای اهل سنت و جماعت نیز معترفند که این آیه در مورد آن حضرت نازل شده و مولی علی قوشچی که از سنتی‌های بسیار متعصب می‌باشد در شرحی که بر «تجرید خواجه نصیرالدین طوسی» نوشته وقتی صحبت از این آیه مبارکه به میان می‌آورد می‌گوید:

۶۶

إِنَّمَا نَزَلَتْ بِاتِّفَاقِ الْمُفَسِّرِينَ فِي حَقِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام حِينَ أُعْطِيَ السَّائِلَ خَاتَمَهُ وَهُوَ رَاكِعٌ فِي صَلَاتِهِ<sup>۱۹</sup>

به اتفاق مفسرین این آیه در حق علی بن ابی طالب علیه السلام نازل گردیده هنگامی که به سائل در

حال رکوع، انگشتر خود را اعطا کرد.  
 از عمر بن خطاب نقل شده که گفت: وَ اللّٰهُ لَقَدْ تَصَدَّقْتُ  
 بِأَرْبَعِينَ خَاتَمًا وَ أَنَا رَاكِعٌ لِيُنزَلَ فِيَّ مَا نَزَلَ فِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي  
 طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَا نَزَلَ ۲۰.

به خدا قسم من چهل انگشتر در حال رکوع صدقه  
 دادم تا درباره من آیه‌ای مانند آنچه درباره‌ی  
 علی علیه نازل شد، نازل شود اما خبری نشد.

مرحوم حاج سلطان الواعظین شیرازی تمام صفحه ۴۴۸ کتاب  
 خود، شبهای پیشاور - و مرحوم علامه سید شرف الدین، نامه چهارم  
 المراجعات و مرحوم علامه امینی صفحات ۱۵۶ الی ۱۶۲ جلد سوم  
 کتاب الغدیر خود را فقط به ذکر اسناد و دلالات این آیه شریفه  
 نسبت به وجود مقدس مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی بن  
 ابی طالب علیه اختصاص داده‌اند و تمام این سندها از کتب عامه ارائه  
 شده است.

فصل ۱۳



## ۱۴

### به ولایت او دین کامل، نعمت تمام و اسلام خدا پسندانه می‌شود

۶۷

مولا علی علیه می‌فرماید: پیغمبر خدا ﷺ فرمودند:  
 أَيُّهَا النَّاسُ!... اتَّعَلَّمُونَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مَوْلَايَ وَ أَنَا مَوْلَى  
 الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنَا أَوْلَىٰ بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟  
 ای مردم!... آیا می‌دانید خدای عزوجل مولای  
 من و من مولای مؤمنان هستم و من اولی به تصرف

## پرستاره ترین آسمان

در همه هستی آنها از خودشان می باشم؟

گفتند: آری یا رسول الله! آنگاه دست مرا گرفت و فرمود:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ  
عَادَهُ

(بدانید و آگاه باشید) کسی که من مولای او هستم این

علی مولای اوست. بار پروردگارا دوستدار علی علیه السلام

را دوست مدار و با دشمن او دشمن باش.

در این هنگام سلمان لب به سخن بازکرد و گفت: یا رسول الله!

ولایت علی علیه السلام چگونه است؟ فرمود:

وَلَايَةُ عَلِيٍّ كَوَلَايَتِي، مَنْ كُنْتُ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ فَعَلَيْهِ

أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ.

ولایت علی علیه السلام مانند ولایت من است. کسی که

من از خود او سزاوارترم در امورش تصرف کنم

علی علیه السلام هم اولی بر اوست.

آنگاه این آیه نازل شد:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ

رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ ۱۹

امروز دین شما را کامل و نعمتم را بر شما تمام کردم

و این اسلام را (به امضای ولایت علی علیه السلام) برایتان

پسندیدم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بعد از نزول این آیه فرمود:

اللَّهُ أَكْبَرُ بِأَكْمَالِ الدِّينِ وَ إِتْمَامِ النِّعْمَةِ وَ رِضَاءِ رَبِّي

بِرِسَالَتِي وَ وَلَايَةِ عَلِيٍّ بَعْدِي.

[توضیح: تکبیر را معمولاً موقعی که با شیء یا حادثه مهم و

بزرگی مواجه می‌شوند می‌گویند، پیغمبر اکرم ﷺ هم در بیان تشکر از خدا و به پایان رساندن بار سنگین رسالت و اخذ مهر قبولی طومار رسالت خود به انجام مأموریت خطیر طرح و تثبیت ولایت امیرالمؤمنین عَلِيٌّ تکییر گفت. ]

اللَّهُ اكبر از این که دین به کمال رسید و نعمت خدا هم بر ما تمام گشت و رضایت و خشنودی پروردگارم در خصوص رسالت من و ولایت و سرپرستی علی عَلِيٌّ بعد از من بر امت حاصل گشت. ۲۲



### مدارک «علی عَلِيٌّ و چهارده ویژگی»

فصل ۱۱

- |   |   |
|---|---|
| ۱۱- بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۷۶                  | ۱- الغدير، ج ۶، ص ۲۲  |
| ۱۲- مشارق انوار اليقين، ص ۱۷                  | ۲- سيمای علی عَلِيٌّ به روايت اهل سنت، ص ۱۵۸                      |
| ۱۳- بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۸۲                  | ۳- المناقب للخوارزمي، ص ۹۰  |
| ۱۴- حديقة الشيعة، ص ۱۴۶                       | ۴- الرعد ۱۳: ۴۳   |
| ۱۵- بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۱۵                 | ۵- منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۲۶                                       |
| ۱۶- بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۱۶                 | ۶- سيمای علی عَلِيٌّ به روايت اهل سنت، ص ۱۴۳                      |
| ۱۷- المناقب للخوارزمي، ص ۲۷                   | ۷- فضائل الخمسة من الصحاح السيئة، ج ۲، ص ۲۳۲                      |
| ۱۸- المائدة ۵: ۵۵                             | ۸- فضائل الخمسة من الصحاح السيئة، ج ۲، ص ۲۳۳                      |
| ۱۹- شبهای پیشاور، ص ۴۴۹                       | ۹- الرياض النضرة، ج ۲، ص ۲۰۲                                      |
| ۲۰- امالی شيخ صدوق، ترجمه كمره‌ای، ص ۱۲۴، ج ۴ | ۱۰- عقائد الانسان، ج ۲، ص ۲۷۴، با ذکر ۲۰ سند مختلف از كتب اهل سنت |
| ۲۱- المائدة ۵: ۳                              |   |
| ۲۲- شبهای پیشاور، صص ۹۹۰ و ۹۹۱                |   |



## فصل چهارم

عَلَيْهِ

### و چهارده حدیث منزلت

[توضیح: احادیث منزلت که در این فصل آمده  
برگرفته‌ای از کتاب «مقام امیرالمؤمنین علیه السلام در احادیث  
میزان و منزلت» اثر مؤلف است که انشاءالله در اولین  
فرصت به زیور طبع آراسته خواهد شد]





## ۱ منزلت

[تذکر: احادیث شماره ۱ الی ۱۲ از حضرت رسول مکرم اسلام ﷺ می باشد.]

عَلِيٌّ مِّنِّي كَمَنْزِلَتِي مِنْ رَبِّي ۱

مقام و منزلت علی علیه السلام نسبت به من، مانند مقام و منزلت من نسبت به پروردگارم می باشد.



## ۲ منزلت

عَلِيٌّ مِّنِّي بِمَنْزِلَةِ رُوحِي مِنْ جَسَدِي ۲

نسبت علی علیه السلام به من به منزله‌ی روحی است که در بدن دارم



## ۳ منزلت

عَلِيٌّ مِّنِّي بِمَنْزِلَةِ رَأْسِي مِنْ جَسَدِي ۳

نسبت علی علیه السلام به من، به منزله‌ی سری است که در بدن دارم.



## ۴ منزلت

يَا عَلِيُّ! إِنَّمَا أَنْتَ بِمَنْزِلَةِ الْكَعْبَةِ تُؤْتِي وَلَا تَأْتِي ۴

ای علی! همانا تو به منزله‌ی خانه کعبه هستی که مردم به سراغ کعبه می روند و کعبه به سراغ کسی نمی رود.



## منزلت ۵

هَذَا وَلِيكُمْ مِنْ بَعْدِي، وَهُوَ بِمَنْزِلَةِ السَّفِينَةِ يَوْمَ الْعَرْقِ مَنْ دَخَلَ فِيهَا نَجَا،  
وَ مَنْ خَرَجَ مِنْهَا غَرِقَ ٥

بعد از من این (علی علیه السلام) سرپرست شماست و او به منزله کشتی نجات در روز غرق است. کسی که داخل در این کشتی شود نجات می یابد و هر که از آن دور شود غرق (دریای هلاکت) می گردد.



## منزلت ۶ الی ۱۰

يَا عَلِيُّ! أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هِبَةِ اللَّهِ مِنْ آدَمَ ٦

یا علی! تو نسبت به من مانند «هبة الله» (وصی حضرت آدم علیه السلام) هستی به آدم.

فصل ۱۴

وَ بِمَنْزِلَةِ سَامٍ مِنْ نُوحٍ ٧

و به منزله سام (وصی حضرت نوح علیه السلام) هستی به نوح.

وَ بِمَنْزِلَةِ إِسْحَاقَ مِنْ إِبْرَاهِيمَ ٨

و به منزله اسحاق (وصی حضرت ابراهیم علیه السلام) هستی به ابراهیم.

وَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى ٩

و به منزله هارون (وصی حضرت موسی علیه السلام) هستی به موسی.

وَ بِمَنْزِلَةِ شَمْعُونََ مِنْ عِيسَى ١٠

و به منزله شمعون (وصی حضرت عیسی علیه السلام) هستی به عیسی.

۷۴

## منزلت ۱۱

اَنَّا مِثِّي بِمَنْزِلَةِ يُوْشَعَ مِنْ مُوسَى ۱۱

تو نسبت به من به منزله‌ی یوشع (وصی حضرت موسی علیه السلام) هستی به موسی.



## منزلت ۱۲

اِنَّ اللّٰهَ خَلَقَنَا فَجَعَلَنَا بِمَنْزِلَةِ نَجُومِ السَّمَاءِ ۱۲

همانا خداوند تعالی ما را آفریده و ما را به منزله ستارگان آسمان (که مشخص کننده و روشنگر راهند) قرار داد.



## منزلت ۱۳

حضرت صادق علیه السلام می فرمایند:

اَلَا تَمَّةٌ بِمَنْزِلَةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم اِلَّا اَنَّهُمْ لَيَسُوْا بِاَنْبِيَاءٍ، وَ لَا يَحِلُّ لَهُمْ مِنْ  
النِّسَاءِ مَا يَحِلُّ لِلنَّبِيِّ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم، فَاَمَّا مَا خَلَا ذَلِكَ فَهَهُمْ فِيْهِ بِمَنْزِلَةِ  
رَسُوْلِ اللّٰهِ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم ۱۳

امامان مقام و منزلت پیغمبر را دارند ولی پیغمبر نیستند و آنچه از زن‌ها برای پیغمبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم حلال است (زیادتر از چهار زن دائم و زن موهوبه) برای ایشان حلال نیست و اما نسبت به غیر آن (چه ذکر شد) ایشان (در تمام کمالات و خصال) به منزله‌ی رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم می‌باشند.



## منزلت ۱۴

حضرت رضای علیه السلام می فرمایند:

فَإِنَّ الْإِمَامَ بِمَنْزِلَةِ الْبَحْرِ لَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ... ۱۴

امام به منزله‌ی دریا می ماند که آنچه نزد اوست پایان ندارد.



### مدارک چهارده حدیث منزلت

- |   |                                     |
|---|-------------------------------------|
| ۱- ذخائر العقبی، ص ۶۴   | ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰- بحار الانوار، ج |
| ۲- بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۶۹                                      | ۳۷، ص ۲۵۴، ح ۱                      |
| ۳- بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۶۹                                      | ۱۱- بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۶۳        |
| ۴- سیمای علی <small>علیه السلام</small> به روایت<br>اهل سنت، ص ۵۴ | ۱۲- بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۱        |
| ۵- بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۸۶، ح ۱۲                                 | ۱۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲            |
|   | ۱۴- بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۹۱       |

فصل ۱۴

## فصل پنجم

عاشق

و  
چهارده داستان جوانمردی



## جوانمردی

مسلمان شدن قنبر غلام مولی الموالی علی رضی الله عنه داستان طولانی دارد که مرحوم ابن تاج الدین حسن سلطان محمد در کتاب «کلیات تحفة المجالس» صفحه ۹۸ به بعد آن را ذکر می‌کند و ما خلاصه‌ی آنرا در اینجا می‌آوریم:

قنبر که نام اولیّه او فتاح است عاشق دختر اشکبوس - پادشاه حبشه که عموی او نیز می‌باشد - بود. مکرراً از او خواستگاری کرد ولی هر بار جواب رد می‌شنید تا روزی اشکبوس به او گفت: شیربهای دختر من کشتن علی بن ابی طالب در مدینه است. اگر سر او را بیاوری دخترم را به تو تزویج می‌کنم.

فصل ۵

فتاح با عده‌ای سپاه به سمت مدینه حرکت کرد موقع ورود به شهر، مردی را دید که بیلی بر دوش گرفته و می‌خواهد به آبیاری نخلستان بپردازد. از او پرسید: ای مرد! آیا علی بن ابی طالب را می‌شناسی؟ فرمود: کسی بهتر از من او را نمی‌شناسد با او چه کار داری؟ گفت: از راه دور آمده‌ام تا سر او را جدا کرده به دیار حبشه ببرم. فرمود: علی با تو چه کرده که تصمیم به قتل او گرفته‌ای؟ فتاح قصه خود را تماماً بازگو کرد. آن مرد گفت: اگر از بت پرستی دست برداری علی سر خود را فدای تو می‌کند، گفت: بگو بدانم ترکیب علی چگونه است؟ فرمود: قد من، قد علی و زور من، زور

۷۹

## پرستاره‌ترین آسمان

علی است، هر چه در علی موجود است در من نیز موجود است. فتاح گفت: پس بیا با هم مبارزه کنیم تا ببینم حریف علی هستم یا نه، فرمود: اگر بر من غلبه کنی حتماً بر علی هم غلبه خواهی کرد. مبارزه شروع شد اول فتاح تیغی را حواله آن حضرت نمود ولی با ترفند خاص خود آنرا دفع کرد با یک حرکت سریع کمر بند او را گرفت و از زین بلند کرد و روی دست گرفت و سپس آرام به زمین گذاشت و فرمود: ای فتاح! مرا بر تو رحم آمد بیا مسلمان شو. فتاح یقین کرد که شخص مورد نظرش هم اوست، محبت خاصی از او در دلش افتاد گفت: معلوم شد که تو خود علی بن ابی طالبی. یا علی! مسلمان می‌شوم به سه شرط، اول: آن که مرا به غلامی خود بپذیری. دوم: آن که حلقه‌ی بندگی در گوشم نمایی، سوم: آن که مرا از خود دور نگردانی. حضرت هر سه را پذیرفت و او هم مخلصانه اسلام آورد<sup>۱</sup>

فصل ۵



## جوانمردی

این قانون اسلام است که اگر مسلمانی در جنگ با کفار و مشرکین، یکی از آنان را از پای در آورد و سائل مربوط به مقتول تعلق به آن مسلمان خواهد داشت.

تنها کسی که خود را از این قانون مستثنی نمود وجود باهرالنور اسدالله الغالب علی بن ابی طالب علیه السلام است که در جنگ‌های متعدّد صدها پهلوان قوی پنجه را به خاک و خون نشاناند بدون آن که نظری به مایملک آنان داشته باشد.

۸۰



در جریان قتل عمر و بن عَبْدُوْدُ تَوْسَطِ آن حضرت آمده: بعد از جنگ، قوم و عشیره او کسی را خدمت رسول خدا ﷺ فرستادند تا جسد او و دیگر همرزمش نوفل بن عبدالله - که او هم به دست مولا علیؑ به جهنم فرستاد شده بود - را بخرند. رسول مکرم اسلام ﷺ فرمود: هُوَ لَكُمْ لَا نَأْكُلُ ثَمَنَ الْمَوْتَى جسد ها مال خودتان باشد، ما پول مرده فروشی را نمی خوریم. در این هنگام خواهر عمرو بر بالین برادر آمد دید زره او را - که نظیرش در تمام عرب یافت نمی شد - از بدنش بیرون نیاورده و اسلحه و جامه او را نیز تصاحب ننموده اند. گفت: مَا قَتَلَهُ إِلَّا كُفُو كَرِيمٍ او را باید شخص کریم و بزرگواری کشته باشد. سؤال کرد: کشنده ی برادر من کیست؟ گفتند: علی بن ابی طالب، گفت:

فصل ۵

لَوْ كَانَ قَاتِلُ عَمْرٍو وَ غَيْرِ قَاتِلِهِ      لَكُنْتُ ابْنِي عَلَيْهِ آخِرَ الْأَبْدِ  
لَكِنَّ قَاتِلَهُ مَنْ لَا يُعَابَ بِهِ      مَنْ كَانَ يُدْعَى أَبُوهُ بَيْضَةَ الْبَلْدِ

اگر کشنده عمرو و غیر از علیؑ بود تا آخر عمر بر او می گریستم، اما (می بینم) به قاتل (جوانمرد) او ایراد و سرزنشی نیست. او کسی است که پدر بزرگوارش هم بزرگ شهر نامیده می شد. ۲



## جوانمردی ۳

۸۱

خلیفه ی دوم در لحظات احتضار، فرزندش عبدالله را به دنبال مولا علیؑ فرستاد. وقتی چشم عمر به مولا علیؑ افتاد گفت: ای پسر عم رسول خدا! آیا از من نمی گذری و مرا در خصوص

## پرستاره‌ترین آسمان

همسرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام حلال نمی‌کنی؟ اگر این لطف را در حق من کنی خلافت را به تو تسلیم می‌نمایم.

حضرت علی علیه السلام فرمود: آری! به شرط آن که در جمع مهاجرین و انصار باشد و حقوق آنهایی را که بر علیه‌شان خروج نمودی برگردانی و در آن جمع اقرار کنی که: آن معاهده‌ها و قراردادهایی که فیما بین تو و مصاحبت ابوبکر وجود داشته همه بر خلاف دین بوده و حق مسلم از آن ماست اگر این عمل را انجام دهی من تو را عفو نموده و حلال می‌کنم و رضایت فاطمه زهرا علیها السلام را هم طلب می‌نمایم.

عمر پس از شنیدن این کلمات گفت: أَلَتَأْرُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! وَلَا أَلُغَارُ یعنی به آتش جهنم می‌روم ولی ننگ و عار را برای خود نمی‌خرم. مولا علی علیه السلام با شنیدن این جمله، از جا برخاست و بیرون رفت.<sup>۳</sup>

فصل ۵



## جوانمردی

در ماجرای جنگ صفین که در سال ۳۶ هجرت، بین سپاه امیرمؤمنان علی علیه السلام با سپاه معاویه در گرفت و ۱۸ ماه طول کشید، معاویه همراه صد و بیست هزار نفر که در پیشاپیش آنها مروان با حمل شمشیر عثمان حرکت می‌کرد، به سرزمین صفین آمدند و شریعه فرات را به تصرف خود در آورده و امام علی علیه السلام و سپاهش را از آب منع کردند.

۸۲

حضرت علی علیه السلام دو نفر از یاران خود، به نام‌های شبت بن ربیع

و صعصعة بن صوحان به سران سپاه معاویه پیام فرستاد که شریعه فرات را برای آب بردن، آزاد بگذارند. نامبردگان پیام امام علی ﷺ را ابلاغ کردند، ولی آنها در جواب گفتند: شما عثمان را تشنه کشتید، بنابر این آب برای شما مباح نیست.

امام علی ﷺ با خطابه‌ای آتشین، سپاه خود را برای حمله‌ی قهرمانانه برای راندن سپاه معاویه از شریعه فرات فرا خواند. سپاه امام علی ﷺ با کمال آمادگی یکپارچه به دشمن حمله کردند و آنان را شکست داده و شریعه‌ی فرات را در تصرف خود در آوردند.

امام علی ﷺ به یاران خود دستور داد دشمن را از استفاده از آب شریعه ممانعت نکنند و آزادشان بگذارند.<sup>۴</sup>

فصل ۵



### جوانمردی ۵

روزی در میدان جنگ، حریف نبرد، به امیرالمؤمنان ﷺ گفت:  
هَبْنِي سَيْفَكَ شَمَشِيرَتِ رَا بَه مَن بَبْخَش. آن حضرت بیدرنگ شمشیر خود را به سوی او انداخت. آن مشرک گفت: عَجَبًا يَا بَنَ أَبِي طَالِبٍ فِي مِثْلِ هَذَا الْوَقْتِ تَدْفَعُ إِلَيَّ سَيْفَكَ؟ تعجب می‌کنم (از عمل بزرگوارانه‌ی تو) ای پسر ابوطالب از اینکه در یک چنین موقعیتی شمشیرت را به من (که دشمن تو هستم) می‌دهی. فرمود:  
يَا هَذَا إِنَّكَ مَدَدْتَ يَدَ الْمَسْتَلِّ إِلَيَّ وَ لَيْسَ مِنَ الْكَرَمِ أَنْ يَرُدَّ السَّائِلَ.

۸۳

ای شخص! تو دست نیاز به طرف من دراز کردی و

## پرستاره‌ترین آسمان

دور از کرم است که شخص کریم سائل را محروم نماید.

تا این عمل را از مولا علیه السلام دید و این سخنان را شنید فوراً خود را روی پاهای آن حضرت افکند و گفت:  
هَذِهِ سِيرَةُ أَهْلِ الدِّينِ فَقَبَّلْ قَدَمَهُ وَاسْلَمَ.  
این سیره‌ی بزرگوارانه اهل دین است. پس پای آن حضرت را بوسید و در جا اسلام اختیار کرد.<sup>۵</sup>



## جوانمردی

پس از جنگ جمل، جمعی از سران سپاه دشمن مانند مروان و... که نهایت دشمنی را با امام علی علیه السلام داشتند در جلسه‌ای گرد هم نشستند و به بررسی اوضاع پرداختند؛ یکی از آنها گفت: «سوگند به خدا ما به این مرد (علی علیه السلام) ظلم کردیم، و بیعت با او را بدون عذر موجه شکستیم، به خدا سوگند برای ما آشکار شد که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روش هیچ کسی مانند روش نیک آن حضرت نیست، عفو او نیز بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بی نظیر است، برخیزید به حضورش برویم و از اعمال بد خود عذر خواهی کنیم تا او ما را بیخشد.»

فصل ۵

آن گروه برخاستند به در خانه‌ی امام علی علیه السلام آمدند و اجازه‌ی ورود خواستند، علی علیه السلام به آنها اجازه‌ی ورود داد.  
هنگامی که آنها در محضر علی علیه السلام نشستند، امام علی علیه السلام به آنها رو کرد و فرمود: «خوب توجه کنید! من بشری مانند شما هستم،

۸۴

اکنون با شما سخنی دارم، از من بشنوید، اگر حق بود مرا تصدیق کنید و گرنه آن را رد نمائید. شما را سوگند به خدا، آیا می دانید که رسول خدا ﷺ هنگامی که از دنیا رفت من نزدیکترین و بهترین شخص به او بودم و بعد از او بهترین شخص نسبت به مردم هستم؟»

حاضران گفتند: آری تصدیق می کنیم.

امام علی ﷺ فرمود: شما از من روی گردانید و با ابوبکر بیعت نمودید، من به خاطر حفظ وحدت و یکپارچگی مسلمین تحمل کردم، سپس ابوبکر، مقام خلافت را برای عمر قرار داد، باز تحمل کردم، با اینکه می دانید من نزدیکترین و بهترین مردم به خدا و رسولش بودم، صبر کردم تا او کشته شد، و در بستر وفات، مرا یکی از شش نفر قرار داد، باز تحمل کردم و به تفرقه و اختلاف مسلمین دامن نزد، سپس با عثمان بیعت کردید و سرانجام به او یورش بردید و او را کشتید، در صورتی که من در خانه ام نشسته بودم، نزد من آمدید و با من بیعت کردید چنانکه با ابوبکر و عمر بیعت کردید شما نسبت به بیعت آنها وفا نمودید، ولی بیعت مرا شکستید چه باعث شد که بیعت آنها را نشکستید و بیعت مرا شکستید؟ حاضران (که سخت شرمنده شده بودند) عرض کردند: شما مانند بنده‌ی صالح خدا، حضرت یوسف باش که به برادرانش فرمود:

﴿لَا تَتْرِبْ عَلَيْنِکُمُ الْیَوْمَ، یَغْفِرُ اللّٰهُ لَکُمْ وَ هُوَ اَرْحَمُ

الرَّاحِمِینَ﴾ (یوسف ۹۲:۱۲)

## پرستاره‌ترین آسمان

امروز ملامت و توبیخی بر شما نیست، خداوند شما را می‌بخشد و او ارحم الراحمین است.

امام علیه السلام با کمال بزرگواری و صفای باطن به آنها رو کرد و فرمود:

«لَا تُتْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ»

سپس فرمود: «ولی در میان شما مردی هست (اشاره به مروان) که اگر با دستش با من بیعت کند، با پایش آن را می‌شکند.»<sup>۶</sup>



## ۷ جوانمردی

هنگامی که در اواخر سال ۳۵ هجرت، امیر مؤمنان علیه السلام زمام امور خلافت را به دست گرفت، نخستین گروهی که بیعت شکنی کردند و پرچم مخالفت بر ضد او برافراشتند، «ناکثین» بودند، که در رأس آنها طلحه و زبیر و عایشه قرار داشتند، آنان جنگ عظیمی به نام جنگ جَمَل را در بصره بر ضد حکومت امام علیه السلام بر پا نموده و عایشه با کینه و دشمنی شدید، مردم را بر ضد علیه السلام می‌شوراند و آتش جنگ را شعله‌ورتر می‌ساخت، و در پایان، سپاه امام علیه السلام پیروز شد. در این جنگ از سپاه آن حضرت علیه السلام پنج هزار نفر شهید شدند، و از سپاه عایشه، سیزده هزار نفر به هلاکت رسیدند.<sup>۷</sup>

آری جنگ با آن همه تلفات پایان یافت، ولی از جوانمردی عظیم امام علیه السلام در این مورد این بود که نه تنها نسبت به عایشه

فصل ۵

کینه‌توزی نکرد و انتقام نگرفت، بلکه حریم او را کاملاً حفظ کرد، به طوری که در تاریخ آمده: دو نفر از یاران علی عَلِيٌّ در صدد آن بودند که نسبت ناروای ناموسی به عایشه بدهند، حضرت علی عَلِيٌّ پس از اطلاع دستور داد، به هر کدام از آنها صد تازیانه زدند<sup>۸</sup> و پس از آن، حضرت علی عَلِيٌّ عایشه را با بهترین روش روانه مدینه کرد، تا آنجا که برای حفظ حریم عفاف او، تا چند کیلومتر او را بدرقه کرد، آن حضرت بیست نفر زن را مأمور کرد تا لباس مردان بپوشند و عمامه بر سر نهند و شمشیر برگردن بیاویزند و در ظاهر به عنوان بیست پاسدار مرد، عایشه را به سوی مدینه رهسپار کنند.

فصل ۵

وقتی که عایشه به یکی از نقاط مسیر راه رسید، با گفتار نامناسب از علی عَلِيٌّ یاد کرد، از جمله گفت: «علی عَلِيٌّ با سپاهیان مرد خود که بر من گماشته، حرمت عفت مرا هتک کرد.» ولی هنگامی که به مدینه رسیدند، آن بیست نفر زن مردنما، عمامه‌ها را از سر گرفتند و لباس مردانه خود را در آوردند، و به عایشه گفتند: «ما زن بودیم که علی عَلِيٌّ ما را نگهبان تو نموده بود، پس علی عَلِيٌّ حریم عفت تو را خوب رعایت کرد.»<sup>۹</sup>



۸۲

## جوانمردی

روزی علی عَلِيٌّ به کنار بیت آمد و دید مرد عربی پرده‌ی کعبه را گرفته و می‌گوید:  
ای خدایی که مکانی از تو خالی نیست و در مکانی هم جا

نگرفته‌ای، چهار هزار درهم نیاز دارم آنرا به من عطا فرما.  
مولا علی علیه السلام جلو آمد و فرمود: ای مرد عرب چه می‌گویی؟  
گفت: به چهار هزار درهم نیازمندم، می‌خواهم یکهزار آن را به  
همسرم از بابت مهریه‌ی او بپردازم و از یکهزار آن هم خانه‌ای  
بخرم و یکهزار آن را نیز بابت قرضی که دارم بپردازم و یکهزار  
دیگر را هزینه‌ی اداره‌ی زندگیم کنم. حضرت فرمود: وقتی به مدینه  
آمدی سراغ مرا بگیر و پیش من بیا.

مرد عرب به مدینه آمد و به امام حسین علیه السلام برخورد کرد و سراغ  
مولای متقیان و امیرمؤمنان علیه السلام را از آن حضرت گرفت و مطلب  
خود را به آن بزرگوار عرض کرد.

فصل ۵

حضرت اباعبدالله علیه السلام بر پدر بزرگوار خود وارد شد و عرض  
کرد: مردی بر در خانه ایستاده و می‌گوید شما ضمانت کردید  
خواسته‌ی او را تأمین فرمائید.

حضرت از خانه بیرون شد و سلمان را خواست و فرمود: همان  
باغی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نهال‌هایش را برای من کاشت در  
معرض فروش قرار بده.

سلمان آن را به دوازده هزار درهم فروخت و پول آن را  
خدمت حضرت گذاشت؛ آن بزرگوار مبلغ چهار هزار درهم آن را  
در جا به مرد عرب بخشید و چهل درهم دیگر نیز بابت مخارج سفر  
به او مرحمت کرد، آنگاه دستور داد فقرای مدینه را حاضر نمودند  
و ما بقی پول‌ها را بین فقرا تقسیم کرد تا تمام شد، آنگاه روانه‌ی  
خانه خود گردید.





## جوانمردی ۹

روزی مولا امیرالمومنین عَلَيْهِ پیرمرد نابینایی را دید که گدایی می‌کند. فرمود: این کیست؟  
گفتند: او یک مرد نصرانی از کار افتاده‌ای است که به گدایی روی آورده است. فرمود:

إِسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَا كَبُرَ وَعَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ، أَنْفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ.

تا قدرت کار کردن داشت از او کار کشیدید و چون پیر شد و از کار افتاد او را از خود راندید، (این رسم مردانگی نیست) برای او از بیت المال حقوقی مقرر نمائید. ۱۱

فصل ۵



## جوانمردی ۱۰

روزی ابوهریره در کنار مولا علی عَلَيْهِ قرار داشت و طوری سخنان ناشایستی درباره آن بزرگوار ادا می‌کرد که امام عَلَيْهِ بشنود. فردای آن روز هم آمد و حوائج خود را درخواست نمود، امام عَلَيْهِ، همه آنها را بر آورده ساخت.

این عمل بر اصحاب آن حضرت سنگین و گران به نظر رسید و از آن بزرگوار، عَظَمَ را جو یا شدند فرمود:

إِنِّي لَأَسْتَحْيِي أَنْ يَغْلِبَ جَهْلُهُ عِلْمِي وَ ذَنْبُهُ عَفْوِي وَ مَسْأَلَتُهُ جُودِي.

۸۹

## پرستاره‌ترین آسمان

من حیا می‌کنم از این که جهل او بر علم من و  
گناه او بر عفو من و سؤال او بر جود من غلبه کند. ۱۲.

### جوانمردی

روزی مردی نزد امام علی علیه السلام آمد و عرض کرد: مرا حاجتی  
است. امام علیه السلام به خاطر آن که در انظار حاضرین به ذلت سؤال نیفتد  
پیش از اظهار حاجتش، فرمود:

اُكْتُبَهَا فِي الْأَرْضِ، فَإِنِّي أَرَى الضَّرَّ فَيْكَ بَيْنًا

حاجت خود را روی زمین بنویس که من اظهار آن  
را برای تو مناسب نمی‌دانم.

روی زمین نوشت: أَنَا فَقِيرٌ مُّحْتَاجٌ مِنْ فَقِيرٍ نِيزَمَنْدِي هَسْتَم.  
حضرت فرمود:

فصل ۵

يَا قَنْبِرُ اكْسُهُ حُلَّتَيْنِ

ای قنبر دو قطعه پارچه لباس (حُلّه) برای او بیاور.  
مرد فقیر با دیدن این برخورد بزرگوارانه از ناحیه‌ی  
امیرالمؤمنین علیه السلام، چهار بیت شعر در مدح و ثنای آن حضرت  
سرود. امام علیه السلام برای دوّمین بار فرمود:

أَعْطُوهُ مِائَةَ دِينَارٍ

یکصد دینار (نیز) به او بده.

کسانی که در مجلس حاضر بودند با تنگ نظری گفتند: یا علی!  
زیاد دادی، راستی او را بی‌نیاز فرمودی! فرمود: از رسول  
خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که می‌فرمود:

۹۰

أَنْزَلَ النَّاسَ مَنَازِلَهُمْ

هر کس را در جایگاه خود قرار دهید.  
چون این مرد با کمالی است، شایسته اکرام و احترام بیشتر  
می باشد بعد فرمود:

إِنِّي لَا عَجَبُ مِنْ أَقْوَامٍ يَشْتَرُونَ الْمَمَالِيكَ بِأَمْوَالِهِمْ وَلَا  
يَشْتَرُونَ الْأَحْرَارَ بِمَعْرُوفِهِمْ

در شگفتم از گروهی که با اموال خویش بردگان و  
غلامان را می خرند ولی حاضر نیستند با برخورد های  
شایسته و حرکت های پسندیده ی خود آزاد مردان را  
بنده خویش نمایند. ۱۳



## جوانمردی ۱۲

فصل ۵

مِنْ مَنَاقِبِ الْبَحَارِ قَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ زُبَيْرٍ:  
إِنِّي وَجَدْتُ فِي حِسَابِ أَبِي أَنَّ لَهُ عَلَىٰ أَبِيكَ ثَمَانِينَ أَلْفًا.  
فَقَالَ عَلِيُّ لَهُ: إِنَّ أَبَاكَ صَادِقٌ، فَقَضَىٰ ذَلِكَ. ثُمَّ جَاءَ فَقَالَ: غَلَطْتُ  
فِيمَا قُلْتُ، إِنَّمَا كَانَ لِوَالِدِكَ عَلَىٰ وَالِدِي مَا ذَكَرْتُهُ لَكَ.  
فَقَالَ عَلِيُّ: وَالِدُكَ فِي حِلٍّ وَالَّذِي قَبِضْتَهُ مِنِّي هُوَ لَكَ.

در کتاب مناقب بحار آمده: ابن زبیر به حضرت  
امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد:

۹۱

من در صورت حساب پدرم دیدم که از پدر شما هشتاد هزار  
(درهم یا دینار) طلب کار است.

فرمود: پدر تو شخص راستگویی بود (ولی تو اشتباه می کنی) و  
آن مبلغ را بدو پرداخت. پس از چندی آمد و گفت: یا علی آنچه

## پرستاره‌ترین آسمان

گفتم اشتباه بود، پدر شما از پدر من آن مبلغی را که عرض کردم طلبکار بوده است (لذا این کیسه وجه مرحمتی شما و این مبلغ هم بدهی مربوط به پدرم می‌باشد که تقدیم حضورتان می‌نمایم). حضرت فرمود: بدهی پدرت را بخشیدم و آنچه را هم که از من گرفتی مال خودت<sup>۱۴</sup> (چرا که ما هرگاه چیزی به کسی دادیم دیگر از او پس نخواهیم گرفت).



## جوانمردی ۱۳

وقتی که مولا علی علیه السلام در بستر شهادت آرمیده بود ابن ملجم ملعون را به نزد او آوردند. تا چشم مولا علی علیه السلام به آن خبیث افتاد فرمود:

فصل ۵

ای ابن ملجم! گناه بزرگی را مرتکب شدی، اَبْسَسَ  
الْإِمَامُ كُنْتُ لَكَ؟ جَارِيَّتِي بِهَذَا الْجَزَاءِ؟ أَلَمْ أَكُنْ شَفِيقًا  
عَلَيْكَ وَ أَثْرَكَ عَلَى غَيْرِكَ وَ أَحْسِنُ إِلَيْكَ وَ زِدْتُ فِي  
عَطَائِكَ؟ وَ قَدْ كُنْتُ أَعْلَمُ أَنَّكَ قَاتِلِي لِأُمُحَالَةٍ، وَ لَكِنْ  
رَجَوْتُ بِذَلِكَ الْإِسْتِظْهَارِ عَلَيْكَ يَا شَقِيَّ الْأَشْقِيَاءِ.

آیا من بد امامی برای تو بودم این گونه پاداش مرا  
دادی؟ آیا من با تو مهربانی نکردم و تو را بر دیگران  
(از حیث لطف و عنایت) ترجیح نداده و نیکوئی در  
حق تو ننمودم و عطای تو را افزون نکردم؟ با آن که  
می‌دانستم عاقبت تو مرا می‌کشی ولی دست باز  
داشتم و خواستم تا از این تصمیم بازگردی ای

شقی ترین اشقیاء!

ابن ملجم ملعون شروع به گریه نمود و گفت: یا امیرالمؤمنین! آیا تو می توانی کسی را که جهنمی است بهشتی کنی؟ فرمودی: آری! می توانم سخن درستی گفתי.

[حرامزادگی را ببینید که تا کجا او ج گرفته! با آنکه قاتل است می خواهد از کانال قدرت و عاطفه و رحمت واسعہ امام علی علیه وارد شود و او هم می داند که امام علیه با سایر افراد بشر خیلی فرق دارد]

مولا علی علیه روی به امام حسن مجتبی علیه نمود و فرمود:

یا بُنَّی! اِرْفُقْ بِاَسِیرِکَ وَ اِرْحَمْهُ وَ اَشْفِقْ عَلَیْهِ...

فصل ۵

پسرم! با اسیر خود مدارا کن و او را مورد رحمت

و مهربانی قرار ده.

عرض کرد: پدر جان! این ملعون تو را کشته و دل ما را به درد

آورده و شما دستور می دهید با او مدارا کنیم! فرمود:

یا بُنَّی! نَحْنُ اَهْلُ بَیْتِ الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ، فَاطْعِمَهُ مِمَّا

تَأْكُلُ وَاسْقِهِ مِمَّا تَشْرَبُ...

پسرم! ما اهل بیت رحمت و مغفرت هستیم، پس

از آنچه خود می خوری به او بده و از آنچه خود

۹۳

می آشامی در اختیار او بگذار...

اگر مردم او را قصاص کن... و اگر زنده ماندم من

داناترم بدانچه او را پاداش باید کرد. من به عفو و

بخشش سزاوارترم چرا که ما خاندانی هستیم که با

## پرستاره‌ترین آسمان

گنجهکار جز به عفو و کرم رفتار ننمائیم. ۱۵

ای زبان خلق در وصف تو ابکم یا علی علیه السلام  
در تو اوصاف الهی شد مجسم یا علی علیه السلام  
از پی تعظیم قدر و شأن والای تو شد  
پشت هر هفت آسمان در پیش تو خم یا علی علیه السلام  
تاج عز و افتخار و سلطنت بر فرق توست  
از چه رو بشکافت آن را ابن ملجم یا علی علیه السلام  
جان سالم گر برون می بردی از شمشیر او  
آن شقی را عفو می کردی مسلم یا علی علیه السلام  
یا علی! من هم گنجهکارم نه همچون آن خبیث  
دستگیری کن زمن در هر دو عالم یا علی علیه السلام

فصل ۵



## جوانمردی ۱۴

چون امام حسن و امام حسین علیهما السلام از دفن امیرالمؤمنین علیه السلام بر  
می گشتند در راه پیر مرد مریض و نابینایی را دیدند که گریه  
می کرد، امام حسین علیه السلام پیش آمد و فرمود: یا شیخ! چرا گریه  
می کنی؟

گفت: مردی بود که هر روز شیر و آرد برای من می آورد، سه  
روز است که از او خبری نیست.

۹۴

امام حسن علیه السلام فرمود: آن مرد چگونه بود؟ گفت: او را شناختم،  
فرمود: اوصاف او را بگو. گفت: چهره اش را که ندیدم ولی با من  
مانند مادری که به فرزندش مهربانی کند، مهربان بود. به نرمی

## علیه و چهارده داستان جوانمردی

سخن می‌گفت و با محبت پرستاریم می‌کرد و اظهار انس می‌نمود و می‌خندید و آنگاه باز می‌گشت.

حضرت امام حسن مجتبی‌علیه فرمود:

این صفات پدر ماست، خداوند اجر تو را زیاد کند، او شهید شد و از دنیا رفت و اکنون ما از دفن او بر می‌گردیم.

آن پیرمرد با شنیدن این خبر مرگبار، فریاد بلندی کشید و جان

داد. ۱۶



## مدارک علی‌علیه و چهارده داستان جوانمردی

فصل ۵

- ۱- تحفة المجالس، صص ۹۸-۱۰۰ (با تلخیص)
- ۲- منتهی‌الامال، ج ۱ ص ۱۴۵.
- ۳- رساله‌ی تولی و تبری، ص ۱۶۲ (با تلخیص)
- ۴- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۶۷ و ۱۶۸.
- ۵- سفینة البحار، ج ۱، ص ۴۱۳ ذیل لغت خلق
- ۶- الامام علی بن ابی طالب‌علیه، من حبه عنوان الصحیفة، ص ۴۸۷
- ۷- تنمة المنتهی، ص ۱۲
- ۸- الامام علی بن ابی طالب‌علیه، من حبه عنوان الصحیفة، ص ۴۸۷
- ۹- الامام علی صوت العدالة الانسانیة، ج ۱، ص ۸۲
- ۱۰- ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۲۹
- ۱۱- وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۴۹
- ۱۲- بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۴۹.
- ۱۳- امالی صدوق، ص ۱۶۲ و بحار الانوار ج ۷۱، صص ۴۰۷ و ۴۰۸
- ۱۴- غررالحکم، ترجمه محمد علی انصاری، خاتمه کتاب ص ۲۰
- ۱۵- ناسخ التواریخ حضرت علی‌علیه، ج ۴، صص ۲۸۴ و ۲۸۵
- ۱۶- خاندان وحی، صص ۱۴۵ و ۱۴۶

۹۵





## فصل ششم

عَلَيْهِ

### و چهارده فرمایش معصومین عَلَيْهِمُ

هیچ دانی حرف حق را از کجا باید شنید  
از لسان ناطقش در ماسوا باید شنید  
یعنی ای دل مدح حق را در  
خصوص مرتضی عَلَيْهِ  
از زبان اهل بیت مصطفی عَلَيْهِ باید شنید





## فرمایش رسول خدا ﷺ

يا عَلِيُّ! شِيعَتَكَ الْمُتَتَجِبُونَ، وَلَوْلَا أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ مَا قَامَ لِلَّهِ دِينٌ وَ لَوْلَا مَنْ فِي الْأَرْضِ مِنْكُمْ لَمَا أَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا.

یا علی! شیعیان تو برگزیدگان و بزرگوارانند؛ و اگر تو و شیعیانت نبودید دینی برای خدا اقامه نمی شد؛ و اگر از شماها روی زمین کسی نبود آسمان باران خود را نازل نمی کرد.

فصل ۶

... يا عَلِيُّ! قُلْ لِأَصْحَابِكَ الْعَارِفِينَ بِكَ: يَتَنَزَّهُونَ عَنِ الْأَعْمَالِ الَّتِي تَعْرِفُهَا يُقَارِفُهَا عَدُوَّهُمْ، فَمَا مِنْ يَوْمٍ وَلَا لَيْلَةٍ إِلَّا وَرَحْمَةً مِنَ اللَّهِ تَعْنَاهُمْ، فَلْيَجْتَنِبُوا الدَّنَسَ ۱

... یا علی! به یاران خود که نسبت به تو معرفت و شناخت دارند بگو: از اعمالی که می دانی دشمنان تو بد آنها گرایش دارند اجتناب نمایند؛ و (نیز به آنها بگو): هیچ روز و شبی نیست مگر آنکه رحمتی از خدا آنان را فرا می گیرد، پس از پلیدی ها اجتناب کنند.



۹۹

## فرمایش امام علی علیه السلام

حضرت امام علی علیه السلام ضمن خطبه ای که در بصره می خواند

فرمود:

أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَأَنَا الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ وَالْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ، لَا يَقُولُهُ غَيْرِي إِلَّا كَذَّابٌ.<sup>۲</sup>

من بنده خدا و برادر رسول خدا و صدیق اکبر و فاروق اعظم هستم. این نسبت ها را کسی به خود ندهد مگر کذاب و دروغگو. (خدا لعنت کند کسانی را که القاب اختصاصی امیرالمؤمنین علیه السلام را هم دزدیدند و به خود نسبت دادند)



### فرمایش فاطمه زهرا علیها السلام

... وَ هُوَ الْإِمَامُ الرَّبَّانِيُّ وَ الْهَيْكَلُ التُّورَانِيُّ، قُطْبُ الْأَقْطَابِ، وَ سُلَالَةُ الْأَطْيَابِ، النَّاطِقُ بِالصَّوَابِ، نُقْطَةُ دَائِرَةِ الْإِمَامَةِ، وَ بَابُ بَيْنَهُمَا الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ هُمَا رِيحَاتِنِي رَسُولِ اللَّهِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ.<sup>۳</sup>

علی علیه السلام امامی ربّانی و الهی، و هیکل توراتی و مرکز توجه همه عارفان و خداپرستان و فرزندی از خاندان پاکان و گوینده به حق و روا است. او نقطه دایره امامت است (که امامت حول او می گردد) و پدر حسن و حسین دو شاخه گل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و دو بزرگ و سرور جوانان بهشت است.



### فرمایش امام حسن علیه السلام

أَنَّ عَلِيًّا بَابٌ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَ مَنْ خَرَجَ مِنْهُ كَانَ كَافِرًا.<sup>۴</sup>

همانا علی دری است که هر که از آن داخل شود مؤمن و هر که از آن خارج شود کافر است.



۵

### فرمایش امام حسین

حضرت امام حسین می فرمایند:

لَوْ وُلِدْتِي مِائَةً لَأَحْبَبْتُ أَنْ لَا أُسَمِّيَ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا عَلِيًّا<sup>۵</sup>

اگر صد پسر به من عنایت شود دوست دارم احدی از آنها را به غیر از «علی» نام نگذارم.



فصل ۶

۶

### فرمایش امام زین العابدین

حضرت امام سجاد ضمن خطبه‌ای که در شام ایراد کرد در

معرفی جد بزرگوارشان امیرالمؤمنین فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ! ... أَنَا ابْنُ الْمُحَامِي عَنْ حَرَمِ الْمُسْلِمِينَ وَ قَاتِلِ الْمَارِقِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ التَّائِكِينَ وَ الْمُجَاهِدِ أَعْدَائِهِ النَّاصِبِينَ... وَ أَوَّلِ مَنْ أَجَابَ وَ اسْتَجَابَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَوَّلِ السَّابِقِينَ وَ قَاصِمِ الْمُعْتَدِينَ وَ مُبِيدِ الْمُشْرِكِينَ وَ سَهْمِ مَنْ مَرَامَى اللَّهُ عَلَى الْمُنَافِقِينَ وَ لِسَانِ حِكْمَةِ الْعَابِدِينَ وَ نَاصِرِ دِينِ اللَّهِ وَ وَليِّ أَمْرِ اللَّهِ وَ بُسْتَانِ حِكْمَةِ اللَّهِ وَ عَيْيَةِ عِلْمِهِ... وَ أَبْوَالِ السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ذَلِكَ جَدِّي عَلِيٌّ بِنِ أَبِي

طَالِبٍ...<sup>۶</sup>

۱۰۱

ای مردم! من فرزند حمایت‌کننده‌ی حرم مسلمین و کشنده‌ی مارقین (خوارج) و ناکثین (بیعت‌شکنندگان که منظور طلحه و زبیر و یاران آنهاست) و قاسطین (معاویه و پیروان او) و جهادکننده‌ی با دشمنان کینه‌توزش... و اوّل اجابت‌کننده‌ی خدا و رسول در میان مؤمنین، و اوّل سبقت‌گیرنده (در قبول ظاهره‌ی دین خدا و رسول - چرا که در باطن امر وقتی که آدم ابوالبشر بین آب و گل قرار داشت او امیرالمؤمنین و امام‌المتّقین بود -) و درهم‌شکننده‌ی صفوف ظالمین و متجاوزین و تیری از تیرهای خدا بر (سینه‌های) منافقین و زبان‌گویای حکمت خدا برای (استفاده) بندگان شایسته و یاور دین خدا و ولی امر (از طرف) خدا و بستان حکمت الهی و صندوق علم خدای تعالی... و پدر دو نوه (ی رسول الله) حسن و حسین علیهما السلام هستیم. آری صاحب این ویژگی‌ها، جدّ بزرگوارم حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است.

فصل ۶



### فرمایش امام محمد باقر علیه السلام

إِنَّ عَلِيًّا ابْنَهُ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَإِنَّ مُحَمَّدًا يَدْعُو إِلَى وِلَايَةِ عَلِيٍّ. أَمَا بَلَفَكَ قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيٌّْ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ» فَوَالِي اللَّهِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادَ اللَّهُ مَنْ عَادَاهُ. وَ أَمَا قَوْلُهُ: «إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ» (النازعات ۸:۵۱)

۱۰۲

فَإِنَّهُ عَلِيٌّ؛ يَعْنِي أَنَّهُ لِمُخْتَلَفٍ عَلَيْهِ وَ قَدْ اخْتَلَفَ هَذِهِ الْأُمَّةُ فِي وِلَايَتِهِ؛ فَمَنْ إِسْتَقَامَ عَلَيَّ وَ وِلَايَةِ عَلِيٍّ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ مَنْ خَالَفَ وِلَايَةَ عَلِيٍّ دَخَلَ النَّارَ.<sup>۷</sup>

به درستی که علی عَلِيٍّ آیت و نشانه‌ای است برای (اثبات حَقَّانیت و سوق دادن مردم به سوی حضرت) مُحَمَّدٌ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و همانا حضرت مُحَمَّدٌ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ (مردم را) به سوی ولایت علی عَلِيٍّ فرا می‌خواند. آیا فرمایش رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به تو نرسیده که (در روز غدیر خم) فرمودند: «هر که من والی و سرپرست اویم (به حکم خداوند متعال) علی عَلِيٍّ نیز مولای اوست. خداوند! دوست بدار کسی که او را دوست بدارد و دشمن باش با کسی که دشمن اوست. پس خداوند دوست دارد کسی که او را دوست بدارد و دشمن است با کسی که با آن حضرت عداوت و دشمنی دارد. و اما فرمایش خداوند متعال که می‌فرماید: «همانا شما در قول و سخن اختلاف دارید» درباره علی عَلِيٍّ است، یعنی او موضوع اختلاف است و این اَمَّت در موضوع ولایت او با هم اختلاف ورزیدند؛ پس کسی که بر ولایت علی عَلِيٍّ ثابت قدم ماند و استقامت ورزید اهل بهشت و کسی که با ولایت او مخالفت ورزید اهل جهنم است.

فصل ۶



### فرمایش امام جعفر صادق عَلِيٍّ

۱۰۳

وَلَايَتِي لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلِيٍّ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ وِلَادَتِي مِنْهُ، لِأَنَّ وِلَايَتِي لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَرَضُ، وَوِلَادَتِي مِنْهُ فَضْلٌ<sup>۸</sup>

ولایت من نسبت به علی بن ابی طالب عَلِيٍّ نزد من محبوب‌تر و با ارزش‌تر از ولادت من از اوست؛ چرا که ولایت من نسبت به آن حضرت واجب است در حالی که تولد من از او فضیلت است.

### فرمایش امام موسی کاظم علیه السلام

در کتاب مهج الدعوات سید بن طاووس، دعایی است به نام دعاء الاعتقاد از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام، در ضمن این دعا، آن حضرت به خدای تعالی عرض می‌کند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْرُ وَأَشْهَدُ وَأَعْتَرِفُ وَلَا أَجْحَدُ وَأُسِرُّ وَأُظْهِرُ وَأُعْلِنُ وَأُبْطِنُ  
بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ  
رَسُولُكَ، وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ  
قَاتِلَ الْمُشْرِكِينَ وَ إِمَامَ الْمُتَّقِينَ وَ مُبِيرَ الْمُنَافِقِينَ وَ مُجَاهِدَ النَّكَاشِينَ  
وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ إِمَامِي وَ مَحَجَّتِي وَ مَنْ لَا أَتَقِي بِأَلْعَمَالِ وَإِنْ زَكَّتَ وَ  
لَا زَاهَا مُنْجِيَةً لِي وَ إِنْ صَلَحْتَ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَ الْإِيْتِمَامِ بِهِ وَ الْإِقْرَارِ بِفَضَائِلِهِ  
وَ الْقَبُولِ مِنْ حَمَلَتِهَا وَ التَّسْلِيمِ لِرُؤَاثَتِهَا.

فصل ۶

پروردگارا! من اقرار می‌کنم و شهادت می‌دهم و اعتراف می‌نمایم و انکار نمی‌کنم، پنهانی و آشکار و با صدای بلند و آهسته می‌گویم به اینکه تو خدایی و غیر از تو خدای یگانه‌ی بی شریک وجود ندارد و همچنین محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول توست و اینکه همانا علی علیه السلام، امیر مؤمنان و آقای اوصیاء و وارث علم انبیاء و کشنده‌ی مشرکان و امام متقیان و هلاک‌کننده منافقان و جهادکننده با ناکثان و قاسطان و مارقان، امام من و دلیل راه من است و من به اعمالم اگر چه تزکیه شده و صالح است اعتمادی ندارم و آنها را عامل نجات خود نمی‌دانم مگر به ولایت آن حضرت و پیروی از او و اقرار به جمیع فضایل او و قبول (آن فضائل و دستورات) از

۱۰۴



حاملین و تسلیم شدن در مقابل روایت کنندگان آن.



۱۰

### فرمایش امام رضا

حضرت امام رضا از قول خداوند متعال می فرمایند:

وَلَايَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي آمِنَ مِنْ

عَذَابِي. ۱۰

ولایت علی بن ابی طالب قلعۀ من است. پس هر کس که در

قلعۀ من داخل شود از عذاب من در امان است.

[توضیح: این حدیث شریف قدسی را نیز حاکم حسکانی که از حفاظ بزرگ حنفی مذهب است با ذکر اسناد خود در جلد اول کتاب «شواهد التنزیل» صفحه ۱۳۱ آورده است.]



۱۱

### فرمایش امام محمد تقی

أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ لِابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَإِنَّهُ

فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرُ السَّنَةِ وَلِذَلِكَ الْأَمْرُ وُلَاةٌ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ. فَقَالَ

ابْنُ عَبَّاسٍ: مَنْ هُمْ؟ قَالَ: أَنَا وَاحِدٌ عَشَرَ مِنْ صُلْبِي أَيْمَّةٌ مُحَدَّثُونَ. ۱۱

حضرت امیرالمؤمنین به ابن عباس فرمود: قدر مسلم در هر

سال سالی شب قدر هست که در آن شب امر (سرنوشت و قضا و قدر)

مربوط به آن سال نازل می گردد و برای آن امر بعد از رسول

## پرستاره ترین آسمان

خدا ﷻ نیز سرپرستانی وجود دارد. ابن عباس عرض کرد: آنها چه کسانی هستند؟ فرمود: من و یازده امام از نسل من که امامان مُحدَث باشند (در احادیث رسول خدا ﷺ از آنان سخن به میان آمده)



۱۲

### فرمایش امام علی النقی علیه السلام

فَقَدْ دَلَّ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَلَى مُوَافَقَةِ الْكِتَابِ وَ نَفْيِ الْجَبْرِ وَ التَّفْوِيضِ  
الَّذِينَ يَلْزَمَانِ مَنْ دَانَ بِهِمَا وَ تَقَلَّدَ هُمَا الْبَاطِلَ وَ الْكُفْرَ وَ تَكْذِيبَ  
الْكِتَابِ ۱۲

به راستی که امیرالمؤمنین علیه السلام موافق قرآن راهنمایی فرموده و جبر و تفویض را که معتقد به آن دو و پیرو مرامشان را مُلزم به قبول (باطل و کفر و تکذیب قرآن می نماید، نفی نموده است.

فصل ۶



۱۳

### فرمایش امام حسن عسکری علیه السلام

إِنَّ مَنْ جَحَدَ وَايَةَ عَلِيِّ عليه السلام لَا يَرَى الْجَنَّةَ بَعَيْنِهِ أَبَدًا... وَإِنَّ مَنْ تَوَالَى  
عَلِيًّا وَ بَرَىءَ مِنْ أَعْدَائِهِ وَ سَلَّمَ لِأَوْلِيَائِهِ لَا يَرَى النَّارَ بَعَيْنِهِ أَبَدًا ۱۳  
یقیناً کسی که انکار ولایت علی علیه السلام کند هرگز بهشت را به  
چشمان خویش نخواهد دید... و کسی که ولایت و دوستی علی علیه السلام  
را داشته و از دشمنانش بیزار و به دوستانش علاقمند باشد هرگز  
جهنم را با چشمان خویش نخواهد دید.

۱۰۶

## فرمایش امام عصر روحی له الفداء

إِنَّ الدِّينَ لِمُحَمَّدٍ ﷺ وَ الْهُدَايَةَ لِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، لِأَنَّهَا لَهُ ﷺ وَ فِي عَقِبِهِ بَاقِيَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَمَنْ كَانَ كَذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الْمُهْتَدِينَ وَ مَنْ شَكَّ فَلَا دِينَ لَهُ. ۱۴

دین از حضرت محمد ﷺ و هدایت از حضرت علی امیرالمؤمنین ﷺ است و بعد از او تا روز قیامت باقی است، هر کس این گونه باشد (معتقد به دین رسول خدا ﷺ و شیعه مرتضی علی ﷺ)، از هدایت یافتگان است و آن کس که شک و تردید داشته باشد بی دین است.

فصل ۶



## مدارک علی ﷺ و فرمایشات چهارده معصوم ﷺ

- ۱- بحار الانوار، ج ۳۹، صص ۳۰۷ و الاعتقاد
- ۱۰- عیون اخبار الرضا ﷺ، ج ۲، ص ۱۳۶
- ۲- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۰۴
- ۱۱- اصول کافی با ترجمه، ج ۲، ص ۴۸۱، ج ۱۱
- ۳- نهج الحیاة فرهنگ سخنان فاطمه ﷺ، ص ۴۴، ج ۲۰
- ۱۲- تحف العقول، ص ۴۹۶
- ۴- ناسخ التواریخ امام حسن مجتبی ﷺ، ج ۲، ص ۱۷۴
- ۱۳- تفسیر امام حسن عسکری ﷺ، ص ۳۰۵، ج ۱۴۸
- ۵- ناسخ التواریخ امام حسین ﷺ، ج ۱، ص ۲۶۳
- ۱۴- الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۸۶
- ۶- ناسخ التواریخ امام سجاد ﷺ، ج ۲، ص ۲۲۴
- ۷- بصائر الدرجات، ص ۹۷
- ۸- بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۹۹، ح ۱۰۵
- ۹- مهج الدعوات، ص ۲۳۴ - دعاء



## فصل هفتم

عاشقانه

و  
چهارده سخن مخالف و بیگانه



## سخن ۱

ابوبکر ابی قحافه گوید:

أَيُّهَا النَّاسُ! عَلَيْكُمْ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

عَلِيِّ خَيْرٌ مَن طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَغَرَبَتْ بَعْدِي ۱

ای مردم! بر شما باد به دوستی و دنباله روی از علی بن ابی طالب، پس همانا من خودم شنیدم رسول خدا ﷺ می فرمود: علی علیه السلام بعد از من بهترین کسی است که خورشید بر او تابیده و غروب نموده است.

فصل ۷

جز نبی نیست کسی از تو دل آرا بهتر  
عشق تو از همه ی نعمت دنیا بهتر  
از همان لحظه که تاییدن او شد آغاز  
چشم خورشید ندید از تو کسی را بهتر



## سخن ۲

ابن ابی الحدید به نقل از کتاب «امالی» ابوبکر انباری

۱۱۱

می نویسد:

علی علیه السلام با عمر در مسجد نشسته بود و گروهی از مردم هم حضور داشتند، چون علی علیه السلام از جا برخاست و رفت یکی از حاضرین شروع به بدگویی از او و نسبت عجب و تکبر دادن به آن

بزرگوار کرد. عمر گفت:

حَقُّ لِمِثْلِهِ أَنْ يَتَّبِعَهُ شَائِسْتَهُ اسْتِ بَرَايَ هَمَانَنْدِ اَو كِه بَه خُود بِيَالِدِ و  
سپس گفت:

وَاللَّهِ لَوْلَا سَيْفُ عَلِيٍّ لَمَا قَامَ عَمُودُ الْإِسْلَامِ وَ هُوَ بَعْدَ أَقْصَى الْأُمَّةِ،  
دُوسَابِقْتِيهَا وَ دُوشَرَفِيهَا.<sup>۲</sup>

به خدا قسم اگر شمشیر علی عليه السلام نبود هرگز اسلام پا برجا نمی شد  
و او بعد از موقعیت این چینی بالاترین و برترین قاضی و پیشگام  
در اسلام و صاحب شرف بود.

پس شخص بدگوی از آن حضرت گفت:

با این اوصاف چه چیزی شما را از تن دان به خلافت او و از  
پیرویش باز داشت؟

فصل ۷

گفت: ما به خاطر موقعیت سنی و محبت او به بنی عبدالمطلب  
از خلافت او کراهت داشتیم.



### سخن

عثمان بن عفان گوید:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: النَّظَرُ إِلَى عَلِيٍّ عِبَادَةٌ<sup>۳</sup>

شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: نگاه به علی عليه السلام عبادت  
است.

۱۱۲



### سخن

۴-۱ معاویه از دشمنان سرسخت علی عليه السلام روزی در کنار پسرش



یزید، و مشاورش عمر و عاص بود که شخصی بر آنها وارد و هدیه‌ی نفیسی به او اهدا کرد. معاویه به آن دو نفر گفت: هر یک از ما یک بیت شعر در شأن علی عَلِيٍّ بگوئیم. هر که شعرش از نظر ظاهر و معنی جالب‌تر و زیباتر بود صاحب این هدیه باشد. یزید و عمر و عاص پیشنهاد او را پذیرفتند، ابتدا معاویه گفت:

خَيْرُ الْوَرَى مِنْ بَعْدِ أَحْمَدَ حَيْدُرُ

وَ النَّاسُ أَرْضُ وَ الْوَصِيُّ سَمَاءُ

- بهترین موجودات پس از پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، علی عَلِيٍّ است. انسان‌ها در مقایسه با آن حضرت چون زمین هستند ولی آن وصی پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، آسمان است. عمر و عاص گفت:

هَذَا الَّذِي شَهَدَ الْعَدُوُّ بِفَضْلِهِ

وَ الْفَضْلُ مَا شَهَدَتْ بِهِ الْأَعْدَاءُ

- علی عَلِيٍّ کسی است که دشمن به فضیلت و آقایی او گواهی می‌دهد، کمال افتخار آن است که دشمنان به وجود آن گواهی دهند.

یزید گفت:

كَمَلِيحَةٍ شَهَدَتْ بِهَا ضُرَائُهَا

وَ الْحُسْنُ مَا شَهَدَتْ بِهِ ضُرَاءُ

- او مانند نمکینی است که حسودان برای برتریش گواهی داده‌اند و حُسن و خوبی در واقع آن است که حسودان شهادت به وجود آن بدهند.

شعر عمر و عاص از نظر شیوایی عبارت، برنده تشخیص داده

شد و آن هدیه نفیس نصیب او گردید.<sup>۴</sup>

۴-۲ معاویه بن ابی سفیان می‌گوید:

دَهَبَ الْفِئْهُ وَ الْعِلْمُ بِمَوْتِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ ۵

با مرگ علی بن ابی طالب علیه السلام فقه و علم از میان رفت.



## سخن ۵

۵-۱ محمد بن ادريس شافعی می‌گوید:

عَلِيٌّ حُبُّهُ جُنَّةٌ      إِمَامُ النَّاسِ وَالْجَنَّةِ

وَصِيُّ الْمُصْطَفَى حَقًّا      قَسِيمُ النَّارِ وَالْجَنَّةِ ۶

- دوستی علی علیه السلام سپر آتش دوزخ است، او امام انسان‌ها و

جَنِّیان است.

فصل ۷

- او وصی برحق مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و تقسیم‌کننده‌ی بهشت و

دوزخ است.

۵-۲ به محمد بن ادريس شافعی گفتند تو در حق علی علیه السلام چه

می‌گویی؟ گفت:

چه بگویم در حق کسی که:

أَخَفْتُ أَوْلِيَاءَهُ فَضَائِلَهُ خَوْفًا، وَ أَخَفْتُ أَعْدَاءَهُ فَضَائِلَهُ حَسَدًا، وَ شَاعَ مِنْ

بَيْنِ دَيْنٍ مَا مَلَأَ الْخَافِقَيْنِ. ۷

دوستان او از جهت خوف و بیم فضائل او را پنهان داشتند و

دشمنان او از راه کینه و حسد مناقبش را مخفی کردند، و از میان دو

خفا چندان فضایل او شایع شد که شرق و غرب عالم را پر کرد.

۵-۳ احمد بن حنبل شیبانی پیشوای مذهب حنبلی می‌گوید:

آن همه فضیلت‌ها که برای علی بن ابی طالب علیه السلام نقل شده برای

هیچیک از اصحاب رسول ﷺ نبوده است.<sup>۸</sup>



## ۶ سخن

«عمر و بن عاص» که از دشمن ترین دشمنان مولا علی عَلِيٌّ است در مدح آن جناب می گوید:

عَلِيٌّ الذُّرُّ وَ الدَّهَبُ الْمُصَفَّى وَ بَاقِي النَّاسِ كُلُّهُمْ تُرَابٌ  
هُوَ النَّبِيُّ الْعَظِيمُ وَ فُلْكَ نوحٍ وَ بَابُ اللَّهِ وَ انْقَطَعَ الْخَطَابُ<sup>۹</sup>  
- علی عَلِيٌّ (مانند) گوهر و طلاي خالص و بقیه ی مردم کلاً (در مقابل او به منزله ی) خا کند.

- او نبأ عظیم قرآن (به صفحه ۳۰ مراجعه فرمائید) و کشتی نوح است (که هر کس به آن پناه بُرد از طوفان حوادث رهایی یافت) و باب خداست (که هر کس می خواهد به حریم قدس قرب ربوبی وارد شود باید از طریق او باشد) و با این اوصافی که من از علی عَلِيٌّ گفتم مطلب تمام است و جای هیچ گونه سخنی دیگر نیست.



## ۷ سخن

ابن ابی الحدید معتزلی درباره ی مولا علی عَلِيٌّ می گوید:  
عالم برین و جهان ملکوت، همان تربت پاکی است که بدن مقدس تو را در برگرفته است. اگر آثار حدوث در وجود تو آشکار نگشته بود، می گفتم: تو بخشنده ی روان به کالبدها و گیرنده جان جاندارانی! اگر عوامل مرگ طبیعی در وجود تو اثر نگذاشته بود، می گفتم: تو روزی ده همگانی! تویی که کم یا زیاد، هرگونه بخواهی می بخشی!

من همی دانستم که ناگزیر باید برای به اهتزاز در آوردن پرچم دین و دادگری برفراز آبادی‌های گیتی، فرزند تو «مهدی» بیاید و من در آرزوی آن روزم که حکومت عدل مطلق در جهان استقرار یابد...<sup>۱۰</sup>

[توضیح: ناگفته نماند که ابن ابی الحدید در عین حالی که وانمود می‌کند به بیان فضائل علی علیه السلام می‌پردازد با تردستی خاص خود که ویژه علمای بزرگ اهل سنت و جماعت است انکار فضیلت می‌کند؛ می‌گوید: اگر آثار حدوث در وجود تو...

باید از او و دیگر عقیده‌مندان همانندش سؤال کرد: مگر حضرت عیسی علیه السلام که بخشنده‌ی روان و روح به کالبد بی‌جان «گل» بود و قدرت زنده کردن مردگان را داشت در زمرهٔ مُخَدَّثَات و مخلوقات نبود؟ این اعتقاد و مسلم شیعہ است که مولا علی علیه السلام و دیگر حضرات معصومین علیهم السلام دست قدرت خدا در خلق، واسطهٔ فیض بین خالق و مخلوق و رازق و مرزوق می‌باشند و امروز تدبیر امور و تقسیم و رزق تمام عالم وجود از طرف خداوند متعال به وسیله‌ی حضرت بقیةالله الاعظم روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء صورت می‌گیرد و حضرت صادق علیه السلام هم می‌فرمایند: خداوند تعالی امتناع فرموده از این که کار را بدون «اسباب» انجام دهد (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۹) و یکی از القاب مهم ایشان هم «السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ» می‌باشد که در دعای ندبه نیز بدان تصریح شده و گویای همین حقایق است. انشاء الله هر چه زودتر آرزوی ابن ابی الحدید هم در خصوص ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام برآورده شود و او هم ببیند آن حضرت با طرفداران غاصبین حقوق حقّه مولا علی علیه السلام چه می‌کند!]

## سخن ۸

شخصی از «ابوهذیل» - که استاد ابن ابی الحدید معتزلی شارح نهج البلاغه است - پرسید:

«آیا علی عَلَيْهِ نزد خدا افضل است یا ابوبکر؟» در جواب گفت:

به خدا سوگند! هر آینه مبارزه‌ی علی عَلَيْهِ با عمر و بن عبدود در روز خندق، با اعمال مهاجرین و انصار و تمام عبادت‌های آنان معادله و موازنه می‌شود، آن مبارزه سنگین‌تر و برتر از آنهاست چه رسد به ابوبکر تنها.<sup>۱۱</sup>



## سخن ۹

خطیب خوارزمی از حافظ ابن مردویه نقل می‌کند که عمر بن عبدالعزیز می‌گفت:

مَا عَلِمْنَا أَنْ أَحَدًا كَانَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَرْهَدُ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ<sup>۱۲</sup>

ما در بین این امت بعد از پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ احدی را نشناختم که زاهدتر از علی بن ابی طالب عَلَيْهِ باشد.



## سخن ۱۰

عبدالفتاح عبدالمقصود می‌نویسد:

عموم مردم اطمینان داشتند که جانشینی صاحب رسالت، ضرورتاً در خاندانش ادامه داشته و باقی خواهد ماند؛ زیرا هیچ شک و تردیدی نداشتند که ولایت بر مسلمین بعد از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به علی بن ابی طالب عَلَيْهِ خواهد رسید و این نه فقط از آن روست که

## پرستاره‌ترین آسمان

وی داماد و خویشاوند حضرتش می‌باشد بلکه به جهت ارزش و فضیلت اوست. مردم او را گنجینه‌ی دانش، جایگاه راز، همراز دل، هم آهنگ با اندیشه، پناهگاه فرمان و امر رسول خدا ﷺ و بی‌هیچ نزاع و جدل شایسته‌ترین فرد از خاندان و امت پیامبر برای سرپرستی و حکومت بر مسلمانان می‌دانستند.<sup>۱۳</sup>



### سخن ۱۱

جرج جرداق مسیحی می‌گوید:

فَمَاذَا عَلَيْكَ يَا دُنْيَا لَوْ حَسَدَتْ قُؤَاكِ فَأَعْطَيْتِ فِي كُلِّ زَمَنٍ عَلِيًّا يَفْكِرُهُ وَ قَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ ذِي فَقَارِهِ؟

ای دنیا تو را چه می‌شد که در هر زمانی نیروهای خودت را جمع می‌کردی و به ما یک علی تحویل می‌دادی، با همان فکر علی، قلب علی، زبان علی ذوالفقار علی، کمالات علی عليه السلام؟<sup>۱۴</sup>

فصل ۷



### سخن ۱۲

شبلی شمیل طیب محقق مسیحی می‌گوید:

الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَظِيمُ الْعُظَمَاءِ، نُسَخَهُ مُفْرَدَةً لَمْ يَرِ لَهَا الشَّرْقُ وَ لَا الْعَرَبُ صُورَةً طَبَقَ الْأَصْلِ، لَا قَدِيمًا وَ لَا حَدِيثًا.

امام علی بن ابی‌طالب عليه السلام بزرگ بزرگان و یکتا نسخه‌ای است که شرق و غرب در گذشته و حال، صورت دیگری از آن را که مطابق با اصل باشد به خود ندیده است.<sup>۱۵</sup>

۱۱۸



### سخن ۱۳

نرسیسیان دبیر اول سفارتخانه‌ی بریتانیا در بغداد می‌گوید:  
اگر این خطیب بزرگ (علی علیّه السلام) در عصر ما هم اکنون بر منبر  
کوفه پا می‌نهاد، می‌دیدید که مسجد کوفه با آن پهناوریش از  
اروپائیان موج می‌زد، می‌آمدند تا از دریای سرریز دانش او  
روحشان را سیراب کنند. ۱۶



### سخن ۱۴

«حسان بن ثابت»، یا «ابی نواس» می‌گوید:

قِيلَ لِي قُلْ فِي عَلِيٍّ مِدْحَةٌ      ذِكْرُهَا يُخْمِدُ نَاراً مُؤَوِّضَةً  
قُلْتُ لَا أَقْدِمُ فِي مَدْحِ امْرِئٍ      حَارَ ذَوَاللَّبِّ إِلَيَّ أَنْ عَبَدَهُ  
وَ النَّبِيُّ الْمُصْطَفَى ﷺ قَالَ لَنَا      لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ لَمَّا صَعَدَهُ  
وَضَعَ اللَّهُ عَلَيَّ كِثْفِي يَدَاً      فَاحْسَ الْقَلْبُ أَنْ قَدْ بَرَدَهُ  
وَ عَلَيٌّ وَاضِعٌ أَقْدَامَهُ      فِي مَحَلٍّ وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ ۱۷

فصل ۷

- به من گفتند: درباره‌ی علی علیّه السلام مدحی بگو، که یاد او آتش  
سرپوشیده‌ی دوزخ را خاموش می‌کند.

- گفتم: جرأت مدح و ثنای جوانمردی که خردمندان را چنان

حیران ساخته که به پرستش او پرداخته‌اند، ندارم.

۱۱۹

- ولی پیامبر برگزیده به ما فرموده است که شب معراج وقتی به

آسمان‌ها عروج کردم

- خداوند دستی بر شانه‌ی من نهاد که دلم احساس خنکی

(رحمت او را) نمود.

- و علی علیّه السلام (روز سرنگونی بت‌ها و پاکسازی کعبه) بر جایی

پای نهاد که خداوند دست نهاده بود.

[توضیح: حسان بن ثابت از شعرا و دوستان رسول خدا و امیرالمؤمنین علیه السلام بود و متأسفانه بعد از شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به جمع اصحاب سقیفه پیوست و از مخالفین اهل بیت عصمت و طهارت: گردید و عاقبت به شر از دار دنیا رفت. ولی ابونواس از شعرای اهل بیت عصمت و طهارت متوفای سال ۲۰۰ هجری است که اشعار بسیار عالی در مدح و منقبت این خاندان سروده، برای اطلاعات بیشتر به کتاب ریحانة الادب، جلد ۷، صفحات ۲۸۷ الی ۲۹۰ مراجعه فرمایید.]

### مدارک چهارده سخن مخالف و بیگانه

- |   |  |
|---|--|
| ۱- مناقب علی <small>علیه السلام</small> ج ۱، ص ۱۵                   | صص ۴۳ و ۴۴.  |
| ۲- شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۸۲                                      | ۱۱- شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۳۳۴                                    |
| ۳- تاریخ دمشق، بخش امام علی <small>علیه السلام</small> ، ج ۲، ص ۳۹۲ | ۱۲- مناقب خوارزمی، ص ۶۷، فصل دهم، ج ۳                              |
| ۴- پندهای جاویدان، ج ۳، ص ۱۴  | ۱۳- خاستگاه خلافت، ص ۲۹۱   |
| ۵- الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۶۳  | ۱۴- گفتارهایی پیرامون امام زمان <small>علیه السلام</small> ، ص ۱۵۳ |
| ۶- دیوان شافعی، ص ۳۲  | ۱۵- خورشید غروب امام علی <small>علیه السلام</small> ص ۳۲۰          |
| ۷- شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۶                                       | ۱۶- ماهو نهج البلاغه؟، ص ۳   |
| ۸- المراجعات، ص ۲۸۱   | ۱۷- الفصول العلیه، ص ۲۳  |
| ۹- فصول العلیه، ص ۶۲  |  |
| ۱۰- القوائد السبع العلویات،   |  |

فصل ۷



## فصل هشتم

عاشق

## و چهارده دو بیتی

[تمام اشعار این کتاب از مؤلف است]

سفيد

## علی علیه السلام و چهارده دو بیتی

شاهی که وجود ما سوارا سبب است

نفس نبی و اعظم آیات رب است

از سوی خدای قادر بی همتا

او همچو پیمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم منتخب است



الطاف خفیه خدا شامل ماست

صد شکر ولای مرتضی علیه السلام در دل ماست

فصل ۸

در روز جزا که توشه از ما خواهند

حبّ علی و آل علی علیهم السلام حاصل ماست



یاد تو علی علیه السلام راحت جسم و جان است

مهر تو بهشت و قهر تو نیران است

سر حلقه‌ی انبیا محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

بغض تو نفاق و حب تو ایمان است



۱۲۳

دینی که نجات بخش هر انسان است

قائم به ولایت شه مردان است

در روز جزا بهر قبول طاعات

مهر علی و آل علی علیهم السلام میزان است

## پرستاره‌ترین آسمان

سرمایه‌ی انبیا ولای تو علی علیه السلام است  
عارف به مقام تو خدای تو علی علیه السلام است  
با عرش قیاس کردنت بیهوده است  
چون عرش خدای، جای پای تو علی علیه السلام است



شیرینی هر چه هست شیرین از تو است  
آرامش هر که یافت تسکین از توست  
آیین محمدی صلی الله علیه و آله است دینی، زنده  
روحی که دمیده شد در این دین، از توست



ای شیر خدا که اسم اعظم با توست  
ارشاد جمیع خلق عالم با توست  
درباره‌ی تو مکرراً پیغمبر صلی الله علیه و آله  
فرمود: تو با حقی و حق هم با توست



احمد که خدا بهتر از او بنده نداشت  
غیر از علی علیه السلام و آل نماینده نداشت  
والله به گنجینه‌ی دینش هرگز  
چون مهر علی علیه السلام گوهر ارزنده نداشت



فصل ۸

ای آنکه بود تو را تکاپوی بهشت  
جز راه علی علیه نمی رود سوی بهشت  
با دشمن مرتضی علیه بگو: روز جزا  
هرگز به مشامت نرسد بوی بهشت



در طی طریق، با ولی باید رفت  
در پرتو نور ازلی، باید رفت  
در بزمگه دنی تدلی چو رسول صلی الله علیه و آله  
از راه ولایت علی علیه باید رفت



فصل ۸

پیوسته علی علیه ملازم حق باشد  
حق هم به علی علیه مدام ملحق باشد  
هر کس که مخالف علی علیه می باشد  
بی شبهه و شک، کافر مطلق باشد



آن روز که طرح ما خلق ریخته شد  
مهر تو به جسم و جانم آمیخته شد  
از بهر اشاعه‌ی ولای تو علی علیه  
پیغمبر مصطفی صلی الله علیه و آله برانگیخته شد

۱۲۵



غیر از تو کسی کار خدایی نکند  
در کون و مکان، هنر نمایی نکند  
جز دست تو از کار فرو بسته‌ی خلق  
دست دگری گره‌گشایی نکند



چون نعمت عشق را به ما بخشیدند  
ما را به علی مرتضی علیه السلام بخشیدند  
بر شیعه‌ی او، پنج تن آل عبا  
نصف حسنات خویش را بخشیدند



#### آثار چاپ شده مؤلف:

- ۱- زمزمه انتظار - (نظم، درباره حضرت بقية الله الاعظم روحی فداه و زبان حال عشاق و منتظرین دلسوخته آنحضرت)
- ۲- نعمة انس - (نظم، انس با نام و یاد مصلح عالم وجود و موعود همه انبیاء و اولیاء)
- ۳- نجوای منتظران (نظم، سیصد و سیزده دوبیتی به سبک دوبیتی‌های باباطاهر)
- ۴- گردی از رهگذر دوست (مجموعه سه کتاب فوق بانذکی تغییر و تلخیص)
- ۵- نوای فراق (نظم و نثر، در فراق محبوب و مطلوب همه عارفان و عاشقان)، منتخب جشنواره برترین‌های فرهنگ مهدویت در دهه هفتاد.
- ۶- ریحانة النبی صلی الله علیه و آله (نظم و نثر، پیرامون مناقب و مصائب حضرت فاطمه زهرا علیها السلام)
- ۷- خطیب کعبه (نثر، شرح خطبه عرفانی حضرت ابا الفضل علیه السلام که در حمایت از سیدالشهداء علیه السلام و مقام ولایت، بر بام کعبه در حضور صد هادشمن و دوست ایراد فرمود.)
- ۸- چه کنیم عقل ما کامل شود؟ (شرح یکی از احادیث نورانی حضرت رضا علیه السلام)
- ۹- بررسی علل عاقبت به خیری (بیان ۴۰ داستان عاقبت به خیران و استخراج دلیل عاقبت به خیری از هر داستان)
- ۱۰- مناقب الابرار یا جلد اول دیوان ملتجی (نظم و نثر)
- ۱۱- پرستاره‌ترین آسمان (کتاب حاضر)

## بعضی منابع مورد استفادہ

### قرآن کریم

الاحتجاج ۲۰، ابی منصور احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، (از علمای قرن ۶)، سید محمد باقر موسوی خراسان، نشر مرتضی، مشهد، المطبعة سعید، ۱۴۰۳ق

اصول کافی (با ترجمه)، ۴، محمد بن یعقوب بن اسحاق الكليني الرازي، (وفات - ۳۲۹ق)، سید جواد مصطفوی و سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات علمیہ اسلامیہ، تهران، بی تا

بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار، ۱۱۰، مولا محمد باقر مجلسی، (۱۳۰۷ - ۱۱۱۰ق)، مؤسسة الوفا، بیروت، الطبعة الثانية المصححة ۱۴۰۳ق

بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آن محمد عليهم السلام، ۱، ابو جعفر محمد بن فرّوخ صفار (وفات ۲۹۰۱ق)، منشورات الاعلمی تهران ۱۳۶۲ ش.

تحف العقول عن آل الرسول، ۱، ابو محمد الحسن بن علی بن الحسين بن شعبة الحرّانی، (از علمای قرن ۴)، علی اکبر غفاری، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، الطبعة الثانية، ۱۴۰۴ق.

تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ۱، سید محمد باقر موحد ابطحی، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، قم، ۱۴۰۹ق.

تفسیر برهان، قطع رحلی ۴ جلد با مقدمه ۵ جلد، علامه سید هاشم بحرانی (متوفای ۱۱۰۷ق)، مؤسسة اسماعیلیان - قم، الطبعة الثالثة، بی تا

تفسیر الدر المنثور، ۶، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی (۸۴۹ - ۹۱۱ق) دار المعرفة - بیروت، بی تا

تفسیر صافی، ۲، مولا محسن فیض کاشانی، انتشارات کتابفروشی اسلامیہ - تهران، چاپ پنجم

حدیقة الشیعه، ۱، مقدّس اردبیلی، (متوفی ۹۹۳ق)، انتشارات معارف اسلامی، تهران، بی تا

الریاض النضرة، ۲، حافظ ابی جعفر احمد بن عبدالله الشهير بالمحبّ الطبري، المطبعة الاتحاد المصری، الطبعة الاولى، بی تا

سفینة البحار و مدينة الحكم و الآثار، ۲، شیخ عباس قمی، مؤسسہ انتشارات فراهانی تهران، بی تا

فصل ۸

۱۲۲

## پرستاره ترین آسمان

سیمای امام علی علیه السلام به روایت اهل سنت، ۱، علامه سید هاشم بحرانی، (متوفی ۱۱۰۷)، نجم الدین شریف عسکری، دکتر حسن افتخارزاده، محمد امینی، انتشارات مهام، تهران، چاپ اول ۱۳۷۸ ش

شبهای پیشاور، ۱، سلطان الواعظین شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ پانزدهم، چاپخانه حیدری،

عقائد الانسان، ۴، علامه سید هاشم حسینی تهرانی، چاپ، و نشر علامه طباطبایی، تاریخ تألیف ۱۴۰۳ ق

عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۲، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، (متوفای ۳۸۱ ق)، سید مهدی حسینی لاجوردی، انتشارات جهان، تهران، بی تا

غرر الحكم و دُررُ الکلم، مجموعه کلمات قصار حضرت علی علیه السلام، عبدالواحد آمدی از علمای قرن پنجم هجری، ترجمه محمد علی انصاری، بی تا

الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، ۱۱، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، (۱۳۲۰ - ۱۳۹۰ ق)، دارالکتب العربی بیروت، الطبعة الثالثة، ۱۳۸۷ ق

فضائل الخمسة من الصحاح الستة، ۳، علامه سید مرتضی حسین فیروزآبادی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الثالثة، ۱۳۹۳ ق

مشارق انوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین، ۱، الحافظ رجب البرسی، دار الاندلس، بیروت الطبعة العاشره، بی تا

مهج الدعوات و منهج العبادات، ۱، ابی القاسم رضی الدین علی بن موسی بن محمد بن طاووس، (متوفای ۶۷۳ ق)، انتشارات کتابخانه سنایی، بی تا

معانی الاخبار، ۲، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، (متوفای ۳۸۱ ق)، المطبعة الحیدریه - نجف و مكتبة المفید - قم، ۱۹۷۱ م

مناقب الابرار جلد اول، ۴، علی اصغر یونسیان نشر آئینه زمان، تهران، چاپ اول، چاپخانه ستاره، رجب ۱۴۲۳ ق

مناقب آل ابی طالب، ۴، ابو جعفر رشید الدین محمد بن علی بن شهر آشوب السروش المازندرانی، (متوفی ۵۸۸ ق)، مؤسسه انتشارات علامه - قم، بی تا

المناقب للخوارزمی، ۱، الحافظ الموفق بن احمد الحنفی، (۴۸۴ - ۵۶۸ ق)، العلامة محمد رضا الموسوی الخراسان، مكتبة نینوی الحدیثه، تهران، بی تا

منتهی الامال، ۲، شیخ عباس قمی، (۱۲۹۴ - ۱۳۵۹ ق)، مؤسسه انتشارات هجرت، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۰ ق

ناسخ التواریخ، حدود ۸۵ جلد، لسان الملك میرزا محمد تقی سپهر کتابفروشی اسلامیه - تهران، ۱۳۶۳ ش

نهج الحیاه (فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام)، محمد دشتی مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام - قم، چاپ یازدهم ۱۳۷۴ ش

فصل ۸

۱۲۸